

Representation of the Mosque in Television Series: A Case Study of *Serr-e Delbaran* and *Mushāvīr* (The Consultant)¹

Seyed Ali Soleimani², Hossein Mehrabanifar³, Nematollah Firoozi⁴

(Received on: 2025-01-05; Accepted on: 2025-02-26)

Abstract

This research examines the role of the mosque in two television series, *Serr-e Delbaran* and *Mushāvīr* (The Consultant), aiming to analyze how this religious institution is represented. For this purpose, John Fiske's semiotic analysis at three levels—reality codes, representation codes, and ideological codes—as well as Stuart Hall's theory of representation, have been employed. The study adopts a qualitative approach and uses purposive sampling to select sequences related to the representation of the mosque in cultural, social, and spiritual dimensions. The findings reveal significant differences in the codes of these series at various levels. At the social level, *Serr-e Delbaran* emphasizes traditional clothing, rural settings, and emotional, zealous characters, while *The Consultant* focuses on urban environments, formal attire, and rational characters. Technically, *Serr-e Delbaran* uses close-up shots and warm lighting to highlight the emotional details and reactions of characters, whereas *The Consultant* employs static shots and cooler lighting to accentuate psychological tension and atmosphere. At the ideological level, *Serr-e Delbaran* underscores concepts such as rationality and justice, while *The Consultant* highlights family values, loyalty, and respect for traditions. These differences have varying impacts on the narrative style, emotions, and audience perception of cultural and social themes. This research demonstrates that television can more effectively shape cultural and social identities and convey religious values and concepts through the representation of institutions like the mosque in series.

Keywords: mosque, representation, semiotics, *Serr-e Delbaran*, *Mushāvīr* (The Consultant).

1. This article is derived from Seyed Ali Soleimani, "A study of the representation of mosques in Iranian TV series: a case study of TV series *Serr-e Delbaran* and *The Consultant*," MA diss., Imam Reza International University, Mashhad, Iran, 2024.

2. MA student, Quran and Hadith Sciences, Imam Reza International University, Mashhad, Iran (corresponding author).
Email: alisoleimani19966@gmail.com

3. Assistant Professor, Department of Social Sciences, Razavi University of Islamic Sciences, Mashhad, Iran.
Email: mehrabanifar@razavi.ac.ir

4. Assistant Professor, Department of Quran Hadith Sciences, Imam Reza International University, Mashhad, Iran.
Email: firoozinemat@gmail.com

مطالعه بازنمایی مسجد در سریال‌های تلویزیونی؛ مورد مطالعه: سریال‌های سرّ دلبران و مشاور^۱

سیدعلی سلیمانی^۲، حسین مهربانی‌فر^۳، نعمت‌الله فیروزی^۴

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۱۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۰۸]

چکیده

این تحقیق به بررسی نقش مسجد در دو سریال تلویزیونی «سرّ دلبران» و «مشاور» می‌پردازد و هدف آن تحلیل چگونگی بازنمایی این نهاد مذهبی است. برای این منظور، تحلیل نشانه‌شناختی جان فیسک در سه سطح رمزگان واقعیت، بازنمایی و ایدئولوژی و نیز نظریه بازنمایی استوارت هال به کار برده شده است. این مطالعه با رویکرد کیفی و نمونه‌گیری هدفمند از طریق انتخاب سکانس‌های مرتبط با بازنمایی مسجد در ابعاد فرهنگی، اجتماعی و معنوی انجام شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که در در سطوح مختلف رمزگان‌های این سریال‌ها، تفاوت‌های مهمی وجود دارد. در سطح رمزگان اجتماعی، سریال «سرّ دلبران» بر لباس‌های سنتی، محیط‌های روستایی و شخصیت‌های احساسی و متعصب تأکید دارد؛ درحالی‌که «مشاور» به محیط‌های شهری، لباس‌های رسمی و شخصیت‌های منطقی و مدبرانه می‌پردازد. در بعد فنی، سریال «سرّ دلبران» با استفاده از نماهای نزدیک و نورپردازی گرم، تمرکز بیشتری بر جزئیات احساسات و

۱. این مقاله برگرفته از: سیدعلی سلیمانی، «مطالعه بازنمایی مسجد در سریال‌های تلویزیونی؛ مورد مطالعه: سریال‌های سرّ دلبران و مشاور»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: نعمت‌الله فیروزی، دانشگاه بین‌المللی امام رضا (ع)، مشهد، ایران، ۱۴۰۳، است.

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه بین‌المللی امام رضا (ع)، مشهد، ایران (نویسنده مسئول)
alisoleimani19966@gmail.com

۳. استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران mehribanifar@razavi.ac.ir

۴. استادیار الهیات گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه بین‌المللی امام رضا (ع)، مشهد، ایران firoozinemat@gmail.com

واکنش‌های شخصیت‌ها دارد؛ اما در «مشاور»، از نماهای ثابت و نورپردازی سردتر استفاده می‌شود که فضای روانی و تنش‌ها را بیشتر نمایان می‌کند. در سطح ایدئولوژیک، «سِر دلبران» بر مفاهیمی چون عقلانیت و عدالت تأکید می‌کند؛ درحالی‌که «مشاور» ارزش‌های خانوادگی، وفاداری و احترام به سنت‌ها را برجسته می‌سازد. این تفاوت‌ها، تأثیرهای مختلفی بر نوع روایت، احساسات و درک مخاطب از موضوعات فرهنگی و اجتماعی دارند. این تحقیق نشان می‌دهد تلویزیون می‌تواند به طور مؤثرتری در شکل‌دهی به هویت‌های فرهنگی و اجتماعی و انتقال ارزش‌ها و مفاهیم دینی از طریق بازنمایی نهادهایی چون مسجد در سریال‌ها ایفای نقش کند.

کلیدواژه‌ها: مسجد، بازنمایی، نشانه‌شناسی، سریال سِر دلبران، سریال مشاور.

مقدمه و بیان مسئله

رسانه‌ها به‌ویژه تلویزیون، نقشی حیاتی در شکل‌دهی به نگرش‌ها و باورهای عمومی دارند و می‌توانند واقعیت‌ها را از زوایای مختلف اجتماعی و فرهنگی بازسازی کنند. رسانه‌ها نه تنها واقعیت‌ها را منعکس می‌کنند، بلکه آنها را به‌طور اجتماعی و فرهنگی ساخت می‌دهند. تلویزیون در ایران یکی از پربیننده‌ترین رسانه‌هاست که نه تنها وضعیت‌های اجتماعی و فرهنگی را بازتاب می‌دهد، بلکه می‌تواند ارزش‌ها و هنجارها را تقویت یا تغییر دهد (مهدی‌زاده، ۱۳۸۷ ه.ش، ص ۱۹). رسانه‌ها همچنین در بازنمایی مفاهیم دینی مانند مسجد تأثیرگذار هستند؛ سریال‌هایی مانند «سرّ دلبران» و «مشاور» در این باره نقش مهمی ایفا کرده‌اند. در «سرّ دلبران» با تأکید بر بافت تاریخی مسجد در یزد، تلاش شده است اصالت و کارکردهای اجتماعی، فرهنگی و مذهبی مسجد حفظ شود. در سریال «مشاور» نیز با بهره‌گیری از فضای معنوی مسجد و نمایش روحانی آن در نقش مشاور، به حفظ ارزش‌های اسلامی و ایرانی تأکید شده است. در مجموع، رسانه‌ها با شیوه بازنمایی مسجد می‌توانند جایگاه این مکان مقدس را در ذهن مخاطبان تقویت یا تضعیف کنند و در فرایند جامعه‌پذیری و انتقال فرهنگ دینی نقش بسزایی ایفا کنند (گربنر، ۱۹۹۴؛ رضایی و کاظمی، ۱۳۸۷ ه.ش، ص ۹۲).

مسجد در جوامع اسلامی از دیرباز نقش‌های متعددی فراتر از عبادت ایفا کرده است. مسجد در صدر اسلام، تحت هدایت پیامبر اسلام (ص)، نه تنها مکان عبادت که کانونی برای آموزش، تعاملات اجتماعی، تصمیم‌گیری‌های سیاسی و حتی مبارزات اجتماعی بوده است. این نهاد مذهبی نقش مهمی در توسعه هویت اسلامی، شکل‌دهی به ارزش‌های اجتماعی و مذهبی و تربیت نسل‌های جدید مسلمان داشت و مرکزی برای حفظ انسجام اجتماعی و تقویت ارتباط مسلمانان با یکدیگر بود (نوبهار، ۱۳۷۵، ص ۱۶). مساجد در تاریخ، در جایگاه مکان‌هایی برای تجمع عمومی، پناهگاه مستمندان، فضایی برای تعلیم

و تعلم علوم دینی و دنیوی و حتی پایگاه های سیاسی و نظامی استفاده می شدند (قنبری نیک، ۱۴۰۰ ه.ش، ص ۲۹).

امروزه با وجود اینکه مساجد همچنان در جایگاه پایگاه های مذهبی و اجتماعی اهمیت دارند، رسانه ها به ویژه تلویزیون تأثیر زیادی در ترویج مفاهیم دینی و اجتماعی پیدا کرده اند. رسانه ها می توانند در شیوه درک و پذیرش مفاهیم اسلامی در جامعه مؤثر باشند و از طریق برنامه های مذهبی و فرهنگی، مفاهیم دینی و اجتماعی را به مخاطبان منتقل کنند. این تغییرات نشان دهنده تحولاتی در نقش مساجد است که در کنار رسانه ها با عنوان نهادهای تأثیرگذار در جامعه اسلامی باقی مانده اند (محسن زاده، ۱۳۹۶ ه.ش، ص ۱۰۳-۱۰۴). این تحقیق به تحلیل شیوه بازنمایی مسجد در دو سریال تلویزیونی «سَر دلبران» و «مشاور» می پردازد. هر دو سریال به موضوعات مذهبی و اجتماعی توجه ویژه ای دارند و تصویر متفاوتی از مسجد در این داستان ها را به نمایش می گذارند. سریال «سَر دلبران» بر مفاهیم مذهبی و مناسک دینی تأکید دارد؛ اما سریال «مشاور» مسائل اجتماعی و روابط انسانی را در قالبی مذهبی بررسی می کند.

در این پژوهش، به بررسی شیوه بازنمایی مسجد در دو سریال تلویزیونی «سَر دلبران» و «مشاور» خواهیم پرداخت. این دو سریال به ویژه در ارتباط با مساجد و نقش آنها در جامعه اسلامی مطرح می شوند. سریال «سَر دلبران» با توجه به اهمیت ویژه ای که به مسجد و روحانیت داده است، در مرکز توجه قرار دارد. محمد حسین لطیفی - کارگردان - در این سریال کوشیده است مساجد را مکان هایی با اصالت تاریخی و معنوی به تصویر بکشد که نقش های مختلف اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و دینی را در جامعه اسلامی ایفا می کنند. فیلم برداری در شهر یزد، بافت تاریخی و معماری خاص آن، به عمد انجام گرفته است تا اصالت تاریخی و فرهنگی مسجد با عنوان مرکز جامعه اسلامی به خوبی نشان داده شود. در این سریال، افزون بر تأکید بر جنبه های عبادی، نقش مسجد در جایگاه یک نهاد

اجتماعی و فرهنگی نیز برجسته است. تأثیرات این بازنمایی‌ها بر نگاه و نگرش مخاطبان در ارتباط با مسجد و کارکردهای آن درخور تأمل است.

سریال «مشاور» نیز که در آن یکی از شخصیت‌های اصلی ایفاگر نقش روحانی و امام جماعت مسجد است، به‌ویژه بر فضای معنوی مسجد و کارکردهای اجتماعی آن تأکید دارد. مخاطب در این سریال می‌بیند که روحانی مسجد نه تنها به ایفای وظایف دینی خود می‌پردازد، بلکه در جایگاه مشاور، به مسائل روان‌شناختی و اجتماعی مردم پاسخ می‌دهد. مسجد در این سریال محلی برای رفع مشکلات اجتماعی، فرهنگی و خانوادگی مردم مطرح می‌شود و نشان می‌دهد که مسجد می‌تواند در جایگاه یک نهاد دینی در حل مسائل اجتماعی و روان‌شناختی نیز نقش‌آفرین باشد.

هدف این تحقیق، تحلیل بازنمایی مسجد در این دو سریال تلویزیونی با بهره‌گیری از روش نشانه‌شناسی جان فیسک است. فیسک با تقسیم‌بندی سه‌گانه تحلیل خود به سطوح اجتماعی، فنی و ایدئولوژیک، به تحلیل شیوه تولید و انتقال معنا در رسانه‌های دیداری - شنیداری پرداخته است. در این پژوهش، تلاش شده است از طریق تحلیل نشانه‌ها و نمادهای تصویری، صوتی و کلامی موجود در این دو سریال، کارکردهای مختلف مسجد اعم از عبادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی بررسی شود. مطالعه این سریال‌ها می‌تواند به درک بهتر تأثیر رسانه‌ها بر برداشت‌های مذهبی و اجتماعی و چگونگی تعامل تلویزیون با مسائل دینی و فرهنگی کمک کند و زمینه‌های جدیدی برای تحقیقات آتی فراهم آورد. پرسش اصلی پژوهش این است که بازنمایی مسجد در سریال‌های «سر دلبران» و «مشاور» چه دلالت‌هایی دارد؟ و رمزگان‌های اجتماعی، فنی و ایدئولوژیک در بازنمایی مسجد در سریال‌های پیش‌گفته چگونه بوده است؟

پیشینه پژوهش

بازنمایی های رسانه ای به ویژه در تلویزیون، نقش مهمی در شکل دهی تصورات عمومی درباره مسائل اجتماعی و فرهنگی ایفا می کنند. یکی از مسائلی که به طور خاص در رسانه های جمعی به ویژه در کشورهای اسلامی مورد توجه قرار گرفته است، بازنمایی های دینی و مذهبی است. در این راستا، مسجد یکی از ارکان اصلی فضای دینی و مذهبی است که در سریال های تلویزیونی به نمایش گذاشته می شود. در بسیاری از سریال های تلویزیونی، مسجد مکانی برای نمایش عبادات دینی، فضای اجتماعی و تقویت هویت مذهبی به نمایش درمی آید، اما نگرش ها و بازنمایی های مختلف از این فضای معنوی تأثیرهای متفاوتی بر مخاطبان می گذارد.

در بررسی پیشینه پژوهشی، تحقیقی که به بررسی بازنمایی بعد فرهنگی - ارتباطی مسجد در سریال های تلویزیونی پرداخته باشد، یافت نشد و تا آنجا که محقق مطالعه بررسی کرده است، به طور خاص با پژوهشی که مستقیم به مسئله بازنمایی مسجد در سریال های تلویزیونی پرداخته باشد، روبرو نشده است؛ اما تعدادی از پژوهش های مرتبط را می توان مورد توجه قرار داد که هر کدام به ابعاد از این مسئله توجه کرده اند.

قائمی نیک و سلطانیه (۱۴۰۳) به مطالعه «سکولارشدن جایگاه مسجد در زیست شهری دوره معاصر؛ مطالعه موردی بافت پیرامون حرم رضوی (ع)» پرداخته اند. هدف این پژوهش، بررسی تغییرات اجتماعی و ساختاری در شهر مشهد و نقش مساجد در نظم اجتماعی این شهر در دوران مختلف است. این تحقیق با استفاده از دیدگاه های میشل فوکو در زمینه تبارشناسی، به تحلیل روند تغییرات شهر مشهد از نظر ارتباط حرم مطهر و مساجد با ساختار شهری پرداخته است. روش تحقیق با تمرکز بر مطالعات تاریخی و بررسی دوره های مختلف از جمله دوران رضاخان، پهلوی دوم و دهه ۱۳۷۰ شمسی انجام

شده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که پیش از دوران معاصر، مساجد نقش محوری در نظم اجتماعی مشهد داشتند؛ اما در پی تحولات مدرنیزاسیون و توسعه شهری، نقش مساجد کاهش یافت و از مرکزیت اجتماعی به حاشیه رانده شده‌اند.

خجیر در تحقیق خود به مطالعه راهبردهای استفاده بهینه از شبکه‌های اجتماعی مجازی در نظام تبلیغی - رسانه‌ای مساجد ایران در سال ۱۴۰۳ می‌پردازد. هدف این پژوهش، ارائه راهبردهای بهینه برای ارتقای فعالیت‌های تبلیغی و رسانه‌ای مساجد از طریق استفاده از شبکه‌های اجتماعی است. روش تحقیق این پژوهش، آمیخته‌ای از کیفی و کمی است. در بخش کیفی، از روش تحلیل مضمون و در بخش کمی، از روش تجزیه و تحلیل راهبردی استفاده شده است. جامعه آماری در بخش کیفی شامل نخبگان دانشگاهی و خبرگان حوزه شبکه‌های اجتماعی فعال در امور دینی و مساجد است که از میان آنها هجده نفر به روش نمونه‌گیری هدفمند در بهار ۱۴۰۳ انتخاب شده‌اند. ابزار جمع‌آوری اطلاعات در این بخش، مصاحبه عمیق نیمه ساختارمند بوده است. در بخش کمی، جامعه آماری شامل فعالان رسانه‌ای و تبلیغی امور مساجد سراسر کشور است که از میان آنها شصت نفر به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شده‌اند. ابزار جمع‌آوری اطلاعات در این بخش، پرسشنامه کارت متوازن سفید بوده است و پردازش داده‌ها بر اساس ماتریس‌های SWOT، SPACE و QSPM انجام شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد انتشار اخبار و تقویت شبکه‌سازی بین مسئولان مساجد و شهروندان از نقاط قوت مهم است؛ درحالی‌که اخبار جعلی و همبستگی اجتماعی کاذب از نقاط ضعف به شمار می‌روند. همچنین اقناع شبکه‌ای دین، یک فرصت و ترویج خرافات دینی از سوی مغرضان تهدید دانسته شده است. مهم‌ترین راهبرد استفاده از شبکه‌های اجتماعی، حمایت همه‌جانبه دولت از راه‌اندازی شبکه‌های بومی تخصصی مسجد متناسب با کارکردها و وظایف تربیتی و

تبلیغی مساجد ایران و ایجاد زیرساخت‌های فنی و نرم‌افزاری برای تولید محتوای تربیتی و فرهنگی است.

مهربانی‌فر در «مسجد و ارتباطات انسانی؛ مطالعه ظرفیت‌های ارتباطی مسجد در اندیشه اجتماعی متفکران مسلمان معاصر» (۱۴۰۳) به مطالعه ظرفیت‌های ارتباطی مسجد در اندیشه اجتماعی متفکران مسلمان معاصر پرداخته است. هدف این پژوهش، شناخت ابعاد و ظرفیت‌های ارتباطات انسانی مسجد در نظام اجتماعی ایران است. این تحقیق به تحلیل دیدگاه‌های سه متفکر محوری (امام خمینی، آیت‌الله خامنه‌ای و مرتضی مطهری) می‌پردازد که در شکل‌گیری و تداوم انقلاب اسلامی و توجه به مسجد و کارکردهای ارتباطی آن نقش مهمی داشته‌اند. روش تحقیق در این مطالعه، تحلیل مضمون است و آرا و ایده‌های این متفکران در قالب یازده مضمون دسته‌بندی شده‌اند. این مضامین شامل سطوح مختلف ارتباطات انسانی، از جمله ارتباط با خدا، ارتباط با خود (تأمل و تفکر)، ارتباطات میان‌فردی (ارتباط امام جماعت و مردم)، ارتباطات گروهی (حلقه‌های فکری و معرفتی) و ارتباطات عمومی (خطابه و روشنگری) هستند که همگی با محوریت توحید شکل گرفته‌اند و در سازمان‌دهی و گسترش نهادهای اجتماعی امتداد می‌یابند. در این پژوهش، ارتباطات در مسجد ابتدا از خودسازی و اجتماع توحیدی حول ارتباط با خدا آغاز می‌شود و در ادامه به سازمان‌دهی نهادهای اجتماعی امتداد می‌یابد.

شریف‌فرد و لطیفی (۱۴۰۳) در پژوهش خود به مطالعه الگوی موفقیت نهادهای دینی، با تمرکز بر مساجد موفق در عرصه تربیتی پرداخته‌اند. هدف اصلی این تحقیق، شناسایی عوامل اصلی موفقیت مساجد در زمینه تربیتی و تفاوت آنها با دیگر مساجد موفق است. این پژوهش از نوع کیفی است و روش تحلیل مضمون برای تحلیل داده‌ها به کار برده شده است. داده‌های پژوهش از نتایج موردکاوی بیست مسجد برتر در کشور در حوزه تربیتی به دست آمده است. نتایج نشان می‌دهد که عامل اصلی در موفقیت مساجد در عرصه

تربیتی نقش اساسی دارند؛ عواملی چون رهبری اسوه، تربیت نظام‌مند و توانمندساز، رونق تربیتی تشکیلاتی در بخش خواهران، انسجام تشکیلات ایمانی، تعامل با طلاب و حوزه علمیه، همکاری مسجد و مدرسه و خانواده، روحیه جهادی، رفع موانع فعالیت جوانان در مسجد، خدمت به مردم و جبهه فرهنگی از جمله عوامل مهم موفقیت در این باره به شمار می‌روند.

امینی هرندی (۱۴۰۳) در پژوهش خود به بررسی نظریه سیاستی مشارکت فرهنگی - اجتماعی نوجوانان با محوریت مسجد پرداخته است. مشارکت فعالانه نوجوانان در زمینه‌های مختلف اجتماعی، افزون بر نقشی که در پویایی و پیشرفت جامعه دارد، یکی از سازوکارهای اصلی شکل‌گیری هویت اجتماعی آنان نیز به شمار می‌آید. هدف این پژوهش، شناسایی مؤلفه‌های اصلی نظریه سیاستی مطلوب در زمینه مشارکت فرهنگی - اجتماعی نوجوانان با محوریت مسجد بوده است. این پژوهش به روش کیفی انجام شده است و نویسنده برای جمع‌آوری داده‌ها از روش مصاحبه نیمه‌ساخته و برای تحلیل داده‌ها از روش تحلیل مضمون آترید استرلینگ استفاده کرده است. مصاحبه‌شوندگان به گونه هدفمند از میان کارشناسان و متخصصان علوم ارتباطات، روانشناسی، علوم تربیتی و معارف اسلامی انتخاب شده‌اند که با حوزه نوجوانی و مسجد درگیر بودند. در فرایند تحلیل که با استفاده از نرم‌افزار Maxqda انجام گرفته است، سه مضمون فراگیر و هشت مضمون سازمان‌دهنده به دست آمده است. مضامین فراگیر که مؤلفه‌های اصلی نظریه سیاستی مشارکت فرهنگی - اجتماعی نوجوانان با محوریت مسجد را بیان می‌کنند، شامل «مسجد محوری در محله»، «گروه محوری در مسجد» و «نوجوان محوری در گروه» هستند.

فصیح رامندی در سال ۱۴۰۳، در پژوهش خود به بررسی وظایف حکومت دینی در قبال مسجد به عنوان حق فرهنگی پرداخته است. با وجود اینکه به حقوق فرهنگی به‌گسترده‌گی در مباحث حقوق بشر توجه شده است، بیشتر توجه‌ها معطوف به ابعاد مادی انسان است

و ابعاد معنوی این حقوق کمتر شناسایی شده‌اند؛ درحالی‌که با توجه به ارتباط نزدیک حقوق فرهنگی با مفهوم «فرهنگ پیشرو»، ضروری است ابعاد دیگر این حقوق در حوزه اعتقادات، ارزش‌ها و رفتارها شناسایی شوند. در این راستا، با نگرش حقوقی، نهاد مسجد در جایگاه یکی از مصادیق حقوق فرهنگی تحلیل شده است. پرسش اصلی پژوهش این است که مسجد در جایگاه «حق فرهنگی» چگونه تعریف شدنی است؟ همچنین بر مبنای اسناد بالادستی در نظام جمهوری اسلامی ایران، وظایف حکومت دینی در این عرصه چیست؟ این مطالعه با روش توصیفی - تحلیلی و استفاده از منابع کتابخانه‌ای و تحلیل اسناد، به بررسی چهار سند از اسناد بالادستی می‌پردازد تا وظایف دولت در تأمین این حق فرهنگی را تعیین کند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که بر مبنای هدف فرهنگ پیشرو و با توجه به کارکردهای فرهنگی مسجد، نه تنها حق فرهنگی بشر در حوزه اعتقاد، گرایش و رفتار از طریق مسجد تأمین خواهد شد، بلکه این حق منجر به تأمین حقوق فرهنگی دیگری مانند حق بر مذهب و عقیده و حق بر سنت‌ها نیز خواهد گردید.

محمودی در سال ۱۴۰۳، در پژوهش خود به ارزیابی چالش‌های حقوقی اداره مساجد در ایران پرداخته است. مساجد همواره مراکز اصلی تجمعات دینی مسلمانان و بخش مهمی از هویت اجتماعی آنها بوده‌اند. با وجود تحقیقات متعدد در این باره، تحلیل حقوقی چالش‌های مربوط به مساجد به طور کامل انجام نشده است. این تحلیل می‌تواند افزون بر تبیین هویت حقوقی مساجد، مسائل عملی مرتبط با عملکرد و نظارت بر آنها را نیز ارزیابی و آسیب‌شناسی کند. در این پژوهش، ضمن بازخوانی ساختار اجرایی و درونی مساجد، شیوه و سطح نظارت بیرونی بر آنها از سوی نهادهای دولتی و حکومتی ارزیابی انتقادی شده است. این تحقیق به شیوه کتابخانه‌ای و با استفاده از اسناد حقوقی داخلی و خارجی و همچنین رویه‌های قضایی مرتبط، به دنبال ارائه افق‌های روشنی از چالش‌های مساجد در کنار راهکارهای عملی است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد مساجد از مراکز سنتی که

عموماً تحت مدیریت مردم و مراجع و جوامع مردمی بودند، به مؤسساتی تبدیل شده‌اند که تحت نظارت دولت و حکومت قرار دارند. در این فرایند، نقش حکومت و دولت در تأسیس مساجد و تعیین اعضای هیئت امنای مسجد، خادم، امام جماعت و دیگر متولیان درونی، به گونه فزاینده‌ای افزایش یافته است. این تغییر در نوع رابطه مساجد با حکومت و دولت می‌تواند هویت و نقش اجتماعی آنها را بازآفرینی کند و تأثیرات معناداری در روند دین‌گریزی جوانان و تضعیف نقش اجتماعی مساجد داشته باشد.

فرخی و خلجی (۱۴۰۰) در تحقیقی به بررسی کارکردشناسی فرهنگی - ارتباطی مساجد دانشگاهی پرداخته‌اند. این تحقیق به تحلیل کارکردهای مساجد دانشگاهی در دانشگاه‌های تهران، تربیت مدرس و شریف پرداخته است. هدف اصلی این تحقیق، بررسی نقش مساجد دانشگاهی در تقویت هویت دینی و اجتماعی دانشجویان و تحلیل تعاملات اجتماعی و فرهنگی در این فضاها بوده است. پژوهش از نوع مطالعه موردی است و داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته با ائمه جماعت، مدیران و دانشجویان جمع‌آوری شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد مساجد دانشگاهی افزون بر کارکردهای مذهبی، فضاهایی اجتماعی و فرهنگی برای برگزاری نشست‌های علمی، مشاوره‌های روان‌شناختی و فعالیت‌های اجتماعی هستند.

لطیفی و مولایی (۱۴۰۰) در تحقیق خود به بررسی ورود آسیب‌های اجتماعی به مساجد به ویژه آسیب اعتیاد پرداخته‌اند. هدف این تحقیق، شناسایی عواملی است که سبب ورود آسیب‌های اجتماعی به مساجد می‌شود. این مطالعه با استفاده از روش‌های تحلیل محتوا و مصاحبه‌های کیفی به بررسی وضعیت مساجد در مناطق آسیب‌پذیر پرداخته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که کاهش تعاملات اجتماعی در مساجد به ویژه در مناطق آسیب‌پذیر، یکی از دلایل اصلی ورود آسیب‌های اجتماعی به این مکان‌هاست. در این تحقیق تأکید می‌شود که مسجد می‌تواند در پیشگیری و کاهش اعتیاد نقش آفرینی کند.

طالبی و قرنی (۱۳۹۹) در مقاله خود به بررسی بازنمایی دینداری در سریال تلویزیونی «مادرانه» پرداخته‌اند. هدف این تحقیق، بررسی شیوه نمایش دینداری در جایگاه یک عنصر فرهنگی و اجتماعی در میان شخصیت‌ها و داستان‌پردازی‌هاست. با استفاده از روش تحلیل محتوا، نتایج تحقیق نشان می‌دهد که سریال «مادرانه» دین را عاملی مثبت در زندگی شخصیت‌ها به تصویر کشیده است. دینداری در این سریال نقش مهمی در حل بحران‌ها و تصمیم‌گیری‌های اخلاقی شخصیت‌ها دارد و به طور کلی ابزاری برای ارتقای فضای معنوی و اخلاقی داستان است.

برخورداری زاده، سراج و کاظمی پور (۱۳۹۹) در تحقیق خود به بررسی بازنمایی ابعاد دینداری طبقات اجتماعی در سینمای پس از انقلاب ایران پرداخته‌اند. این مطالعه از مدل دینداری گالک و استارک برای استخراج ابعاد دینداری و سپس استفاده از طبقه‌بندی بر اساس نظریه تمایز بوردیو برای تحلیل آنها استفاده کرده است. این تحقیق نشان می‌دهد که بازنمایی ابعاد دینداری طبقات اجتماعی، تحت تأثیر گفتمان‌های حاکم بر هر دهه تغییرات بسیاری داشته است؛ برای مثال در دهه‌های اخیر، بعد مناسکی دینداری طبقه مرفه بیشتر از دیگر طبقات اجتماعی مشاهده می‌شود.

آذری (۱۳۹۷) در مقاله خود تأثیر برنامه‌های دینی تلویزیونی بر تغییر نگرش‌های دینی میان نوجوانان و جوانان ایرانی را بررسی کرده است. او نشان می‌دهد مسجد در تلویزیون ایران اغلب در جایگاه مکانی مقدس و معتبر برای انتقال آموزه‌های دینی به تصویر کشیده می‌شود. این نوع بازنمایی‌ها می‌توانند به رشد دینی جوانان کمک کنند، اگرچه بیشتر بر جنبه‌های سنتی تأکید دارند و کمتر به چالش‌های مدرن در برابر دین و مسجد پرداخته می‌شود.

حسینی پاکدهی، نقیب سادات و گودرزی (۱۳۹۶) در تحقیق خود به شیوه بازنمایی دین در سینمای پس از انقلاب اسلامی پرداخته‌اند. این پژوهش به بررسی چگونگی

نمایش مفاهیم دینی در فیلم‌های سینمایی ایران و تأثیرات آنها بر نگرش‌های عمومی به دین می‌پردازد. نتایج نشان می‌دهد دین در سینمای ایران پس از انقلاب، در قالب‌های مختلفی از جمله دین رسانه‌ای، دین اجتماعی و دین فردی به تصویر کشیده می‌شود و سینما ابزاری مهم در شکل‌دهی نگرش‌های عمومی به دین در جامعه ایرانی است.

در سطح جهانی نیز تحقیقاتی به بررسی کارکردهای اجتماعی مسجد پرداخته‌اند. حسن و احمد (۲۰۲۳) به بررسی نقش مساجد در جایگاه مراکز آموزشی و مشارکت اجتماعی در جوامع اسلامی پرداختند. این تحقیق نشان داد که مساجد به عنوان مراکز آموزشی دینی، نقش مؤثری در تربیت نسل‌های جدید دارند و می‌توانند در ارتقای مشارکت اجتماعی، پیشرفت فرهنگی و تقویت روابط اجتماعی در جوامع اسلامی تأثیرگذار باشند.

سوجاک و دیگران (۲۰۲۱) نیز به تأثیر معماری مساجد سنتی بر ساختار اجتماعی جوامع اسلامی پرداخته‌اند. این تحقیق نشان می‌دهد که ویژگی‌های معماری مساجد سنتی نه تنها در جایگاه فضاهای مذهبی، بلکه با عنوان نمادهای فرهنگی و اجتماعی عمل می‌کنند. طراحی فضاهایی مانند نمازخانه‌ها، حیاط‌ها، مناره‌ها و گنبد‌ها به طور مستقیم و غیرمستقیم با سازمان اجتماعی و روابط افراد در جامعه مسلمانان مرتبط است.

سوزری، کوثر -التینلکن و وولمن (۲۰۱۹) در تحقیق خود گفت‌وگوهای رسانه‌ای در مطبوعات هلند را بررسی کرده‌اند. این تحقیق نشان می‌دهد که رسانه‌های هلندی مساجد را عمدتاً از دیدگاه تهدیدات امنیتی و گروه‌های افراطی بازنمایی می‌کنند و کمتر به جنبه‌های مثبت آنها، مانند نقش مساجد در آموزش دینی و فرهنگی مسلمانان پرداخته‌اند.

با توجه به بررسی منابع انجام‌شده در پژوهش‌های داخلی و خارجی و تا آنجا که مطالعات انجام گرفته است، مطالعه‌ای در زمینه بازنمایی و نقش مسجد در سریال‌های تلویزیونی یافت نشد و تمامی پژوهش‌های حاضر به بررسی و بازنمایی ابعاد دیگر از مسجد و سایر مسائل مربوط به نقش و اهمیت مسجد پرداخته‌اند و مطالعاتی با محور مسجد و

بازنمایی آن در سریال های تلویزیونی مشاهده نشد. با توجه به موارد عنوان شده، وجه تمایز و نوآوری پژوهش حاضر را می توان در پرداختن به بازنمایی مسجد با بهره گیری از چارچوب نشانه شناسی جان فیسک در نظر گرفت.

۱. ادبیات پژوهش

۱-۱. نظریه بازنمایی

نظریه پردازان معتقدند بازنمایی های تصویری و متنی رسانه ها تأثیر زیادی بر درک و واقعیت های زندگی روزمره دارند و تحلیل های این بازنمایی ها معمولاً در چارچوب نظریه بازنمایی انجام می گیرد (استریناتی، ۱۳۸۰ ه.ش، ص ۱۵۳؛ مهدی زاده، ۱۳۸۷ ه.ش، ص ۲۶). هدف مطالعات رسانه ای، درک چگونگی تولید معانی از طریق گفتمان های رسانه ای است (کیسی و دیگران، ۲۰۰۲). بر اساس رویکرد برساخت گرایانه، رسانه های جمعی واقعیت ها را از طریق ساختارهای روایت خود تولید می کنند و با استفاده از فراواقعیت، واقعیتی جدید خلق می کنند که بر زندگی روزمره افراد تأثیر می گذارد (بودریار، ۱۳۸۰). در نظریه های فرهنگی، بازنمایی رسانه ای به طور پیچیده ای در پیوند با روابط قدرت است و به تولید و گسترش معانی مسلط پرداخته و نابرابری های اجتماعی را تقویت می کند (کسی و لویز، ۲۰۰۲). از این منظر، بازنمایی به طور اجتناب ناپذیری بارایدئولوژیک دارد.

در این راستا، بازنمایی به معنای فرایند تولید معناست. هال معتقد است معناها از طریق تعاملات اجتماعی ساخته می شوند و زبان نقشی کلیدی در این فرایند دارد (مهدی زاده، ۱۳۹۳ ه.ش، ص ۲۶). از نظر هال، بازنمایی یعنی به کارگیری زبان برای بیان مفاهیم معنادار (هال، ۱۳۹۶). قدرت از طریق ساخت معانی و بازنمایی ها سلطه اش را در جامعه حفظ می کند و طبق نظر راودراد (۱۳۹۱)، طبقه مسلط اجتماعی ارزش ها و ایده آل های خود را در سطح جامعه گسترش می دهد. در نتیجه، بازنمایی ها در رسانه ها می توانند جایگاه گروه های

اجتماعی را تعیین کنند و بر شیوه فهم و تعامل افراد با این گروه‌ها تأثیر بگذارند. رسانه‌ها از طریق بازنمایی‌ها، افزون بر هویت دادن به گروه‌ها، تأثیر زیادی بر تصورات اعضای گروه‌های اجتماعی از خودشان دارند. به گفته بنت (۱۳۹۳)، فرهنگ رسانه‌ای به تولید بازنمایی‌هایی می‌پردازد که هدف آنها ایجاد توافق و رضایت عمومی در برابر مواضع سیاسی خاص است. گفتمان‌ها ابعاد ایدئولوژیک دارند و آنچه در یک بازنمایی گنجانده یا از آن حذف می‌شود، تحت تأثیر گفتمان و ایدئولوژی حاکم قرار دارد (کیسی و دیگران، ۲۰۰۲). گفتمان‌ها به طور کلی ارتباط نزدیکی با سیاست دارند و نقش آنها در بازنمایی‌ها تعیین می‌کند که چه مسائلی می‌توانند مطرح شوند و چه مسائلی از دایره گفتگو خارج شوند (سلطانی، ۱۳۸۴ ه.ش، ص ۱۰۳). رسانه‌ها از طریق بازنمایی، ایده‌آل‌های خاص خود را ترویج می‌دهند و نظم مطلوب خود را بازتولید می‌کنند (بارکر، ۱۳۸۷).

بازنمایی‌ها از نظر ریچارد دایر، ساختارهایی هستند که رسانه‌ها از ابعاد مختلف واقعیت مانند افراد، مکان‌ها و هویت‌ها ایجاد می‌کنند (دایر، ۲۰۰۵). این بازنمایی‌ها می‌توانند گفتاری، نوشتاری یا تصویری ارائه شوند و می‌توانند بر شیوه شکل‌گیری ذهنیت مخاطبان درباره یک موضوع خاص تأثیرگذار باشند. حال این مفهوم را در جایگاه یکی از مفاهیم اصلی در مطالعات فرهنگی و رسانه‌ای مطرح کرد و رویکردهای مختلفی برای تحلیل آن ارائه داده است که این رویکردها شامل رویکردهای بازتابی یا انعکاسی (The Reflective Theories)، رویکرد ارادی یا تعمدی (The Intentional Theories) و رویکرد برساختی (The Constructive Theories) است.

۱-۱-۱. رویکرد بازتابی یا انعکاسی

رویکرد انعکاسی بر این باور استوار است که رسانه‌ها به‌ویژه تلویزیون همانند یک آینه، واقعیت را بازتاب می‌دهند و هیچ چیز جز آنچه از پیش در جهان واقعی وجود دارد را نشان

نمی دهند. در این نظریه، رسانه ها ابزاری برای نمایش معنای واقعی و دقیق جهان هستند و اعتقاد بر این است که آنچه رسانه ها منتقل می کنند، دقیقاً همان چیزی است که در دنیای واقعی وجود دارد و هیچ چیز اضافی در آن دخیل نیست (هال، ۱۳۹۶ ه.ش، ص ۲۴). به عبارت دیگر بر اساس این دیدگاه، دوربین و رسانه ها فقط آنچه در جهان بیرونی وجود دارد و مردم آن را درک می کنند، به تصویر می کشند و هیچ تأثیر اضافه ای در این روند وجود ندارد (نادرپور، ۱۳۹۲ ه.ش، ص ۱۱۶). این رویکرد به طور کلی معتقد است معنا در ذات خود اشیاء، تصاویر یا رویدادهای موجود در جهان نهفته است و رسانه ها تنها این معنا را بازتاب می دهند (هال، ۱۳۹۶، ص ۴۸). در این چارچوب، هنر و رسانه ها، آینه ای برای بازنمایی جامعه هستند. این نظریه همچنین شامل تحقیقات گسترده ای است که همگی به این نتیجه می رسند که هنر و رسانه ها اطلاعاتی درباره جامعه به ما می دهند و به نوعی شرایط اجتماعی را بازتاب می کنند (الکساندر، ۱۳۹۰ ه.ش، ص ۵۴). بر پایه رویکرد انعکاسی، رسانه ها نقش واسطه ای برای بازنمایی ارزش ها و هنجارهای حاکم در جامعه هستند. وظیفه آنها این است که واقعیت های اجتماعی را همان طور که هستند، بدون تحریف یا تغییر به نمایش بگذارند. البته باید توجه داشت دو سطح از واقعیت وجود دارد؛ نخست: واقعیت هایی که در سطح اول به تصویر کشیده می شوند و از تأثیرات ایدئولوژیک و سلطه آزادند؛ دوم: سطحی که در آن واقعیت ها تحت تأثیر هژمونی و قدرت قرار می گیرند و به طور غیرمستقیم بازنمایی می شوند (الکساندر، ۱۳۹۰ ه.ش، ص ۲۵). در نهایت، این نظریه تأکید دارد که بازنمایی به طور کامل و دقیق واقعیت را منعکس می کند و هیچ گونه تغییر و تفسیر اضافی در آن وارد نمی شود.

۱-۲. رویکرد ارادی یا تعمدی

برخلاف نظریه انعکاسی، نظریه تعمدی بر این باور است که هیچ بازتاب مستقیمی از

واقعیت بیرونی وجود ندارد و آنچه دوربین به نمایش می‌گذارد، انتخابی آگاهانه یا نیت پنهانی است که پشت تصاویر قرار دارد. رسانه‌ها در این رویکرد، واقعیت را بازنمایی نمی‌کنند، بلکه آنچه مشاهده می‌شود، تنها نمایشی از واقعیت است. اساس این نظریه بر این مفهوم است که هر عمل ارتباطی دقیقاً حامل پیامی است که فرستنده قصد دارد آن را منتقل کند. با این حال، مشکل اصلی در این نظریه آن است که فرستندگان و گیرندگان پیام‌ها تنها از طریق رمزها و نشانه‌های خاص با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند؛ به این معنا که معنای پیام‌ها و شیوه انتقال آنها با محدودیت‌هایی روبرو است و نمی‌توان به یک معنا یا تفسیر واحد دست یافت، بلکه فقط نشانه‌ها و متونی می‌توانند منتقل شوند که دیگران بر اساس رمزگشایی خودشان از آنها برداشت خواهند کرد؛ این برداشت می‌تواند معنای خاصی تولید کند یا ممکن است نه. در این نظریه، نقش تولید معنا تنها بر عهده فرستنده پیام است.

۱-۳. رویکرد برساختی

هال با نقد رویکردهای پیشین، رویکرد برساختی را می‌پذیرد و تأکید می‌کند که در بازنمایی رسانه‌ای، تنها اراده و واقعیت مطرح نیستند، بلکه بازنمایی باید در چارچوب یک ساختار اجتماعی و فرهنگی بررسی شود. در این رویکرد، معنای یک شیء یا فرد نه به طور ثابت، بلکه از طریق بر ساخت‌های مختلف نظام‌های بازنمایی شکل می‌گیرد و هیچ فرایندی خارج از این بازنمایی نمی‌تواند معنا تولید کند (میرزایی و پروین، ۱۳۸۹ ه.ش، ص ۲۱). بر اساس این دیدگاه، معنا از طریق بازنمایی‌های فرهنگی و اجتماعی ساخته می‌شود که خود از طریق زبان و نشانه‌ها - مانند صدا، واژه، شیء و تصویر - انتقال می‌یابد. به عبارت دیگر، نشانه‌ها بازنمایی‌کننده یک معنا هستند (مهدی‌زاده، ۱۳۸۷ ه.ش، ص ۲۶). این نظریه بر این باور است که جهان مادی خود حامل معنا نیست، بلکه زبان نظامی برای

انتقال مفاهیم است. در این چارچوب، بازیگران اجتماعی با استفاده از مفاهیم فرهنگی و زبان، معنا می‌سازند و از طریق این ساختارها، دنیای پیرامون خود را معنادار می‌کنند و با دنیای معنادار دیگران ارتباط برقرار می‌سازند (هال به نقل از مهدی‌زاده، ۱۳۸۷، ص ۱۶). طبق این رویکرد، چیزها هیچ‌گونه معنای ذاتی ندارند، بلکه ما با استفاده از نظام‌های بازنمایی مختلف، معنا را می‌سازیم. رسانه‌ها نه واقعیت را به طور عینی بلکه بازنمایی از آن را نشان می‌دهند و اطلاعاتی که در رسانه‌ها ارائه می‌شود، در واقع بازسازی شده و تغییر شکل یافته‌ای از جهان است (راینر و همکاران، ۲۰۰۱، ص ۶۵). این بدان معنا نیست که هر پیام رسانه‌ای لزوماً ضد واقعیت باشد، بلکه رسانه‌ها با استفاده از بازنمایی‌ها می‌کوشند تفسیر و تحلیل خود از واقعیت را به مخاطبان انتقال دهند؛ به گونه‌ای که مخاطب تفاوتی بین واقعیت و بازنمایی احساس نکند. نکته مهم این است که رسانه‌ها هرگز در جایگاه یک ابزار خنثی یا بی‌طرف عمل نمی‌کنند. بازنمایی‌های رسانه‌ای، افزون بر جنبه‌های اخلاقی یا غیراخلاقی آن، همواره دربردارنده سوگیری‌های ایدئولوژیک هستند و برای تقویت یا تضعیف گفتمان‌ها و قدرت‌های خاص عمل می‌کنند. بنابراین صحت و درستی بازنمایی‌های رسانه‌ای در مطالعات رسانه‌ای از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ چراکه رسانه‌ها با انتخاب ابعاد خاصی از واقعیت (که متناسب با ارزش‌های گروه‌های مسلط است) و تکرار آنها، دنیای بازنمایی شده را به شکلی طبیعی به مخاطب ارائه می‌دهند تا او این بازنمایی را به جای واقعیت بپذیرد (راو‌دراد، ۱۳۹۱ ه.ش، ص ۲۱).

رسانه‌ها قادرند باورها را شکل دهند، تغییر دهند و تصویری از ایده‌آل‌ها و اهداف بسازند؛ همچنین می‌توانند مفاهیم مقدس را خلق یا از بین ببرند و ایدئولوژی‌های خاص خود را به مخاطبان ارائه دهند. این ایدئولوژی‌ها و نمادهای خاص در قالب متنی رسانه‌ای به گونه‌ای به نمایش درمی‌آیند که منافع قدرت مسلط را تأمین می‌کنند و تصویری از وضعیت گروه‌های اجتماعی و جایگاه آنها ترسیم می‌کنند (محمدی، ۱۳۸۲).

۲. روش پژوهش

در تحقیق حاضر، برای مطالعه بازنمایی مسجد در سریال‌های تلویزیونی «سر دلبران» و «مشاور»، از روش تحلیلی نشانه‌شناسی جان فیسک به کار برده شده است که در ادامه به توضیح آن پرداخته می‌شود.

۱-۲. چارچوب نشانه‌شناسی جان فیسک

دلالت معنایی به معنای رمزگذاری پیام است. فرایند رمزگذاری، مهم‌ترین بخش تولید پیام است که در نهایت به رمزگشایی منتهی می‌شود. رمزگشایی به معنای کشف ارجاعات دال‌هاست. دال‌ها تنها از طریق ارجاعات یا زمینه‌ها درک‌شدنی هستند و از این طریق با مدلول‌ها پیوند می‌خورند و در نتیجه، نظام معنایی به طور کامل شکل می‌گیرد (رضایی‌راد، ۱۳۸۱). به عبارت دیگر، هر نشانه در چارچوب یک نظام از ارجاعات و رمزگذاری‌ها عمل می‌کند که این نظام‌ها از یک روند ساختاری و صوری پیروی می‌کنند و به ما این امکان را می‌دهند که نشانه‌ها را از یکدیگر تشخیص دهیم. این فرایند ارتباطی در موقعیت‌های خاص و ملموس رخ می‌دهد؛ به همین دلیل، هم عناصر نشانه‌ها و هم کارکردهای آنها به یکدیگر وابسته‌اند (دیویس، ۲۰۰۲، ص ۲۳). رمزها به نشانه‌ها معنا می‌بخشند و در چارچوب این سیستم‌های معنایی، دال و مدلول به یکدیگر ارتباط پیدا می‌کنند. جهان برای هر فرهنگ در چهارچوب رمزهایی ساخته می‌شود که به آنها این امکان را می‌دهد تا تجربیات خود را با یکدیگر به اشتراک بگذارند. از همین رو ما می‌توانیم درباره هستی و ساختار اجتماعی خود بیاموزیم (ضمیران، ۱۳۸۲ ه.ش، ص ۱۳۵ - ۱۴۰). در این زمینه، رمز در جایگاه واسطه‌ای میان تولیدکننده، متن و مخاطب، یک نظام از نشانه‌های سازمان‌یافته است که بر اساس قوانین و عرف‌های فرهنگی شکل می‌گیرد و این امکان را برای ما فراهم

می‌کند که فرهنگ را بازتولید، حفظ و تکامل بخشیم (فیسک، ۱۳۸۱ هـ.ش، ص ۱۲۷). واقعیت رمزگذاری شده و فرهنگ ما تنها راه رمزگشایی واقعیت است. واقعیت به صورت خام (Raw) وجود ندارد، بلکه در لایه‌هایی از معانی رمزگذاری شده ساختار یافته است و دقیقاً همین معانی سازمان یافته (فرهنگ) در رمزگشایی آنها نیز به ماکمک می‌کند (فیسک، ۱۳۸۱ هـ.ش، ص ۵). بنابراین نمی‌توان گفت که رمزگان به نشانه‌ها سازمان می‌دهد، بلکه صحیح‌تر آن است که بگوییم رمزها قواعدی را فراهم می‌آورند و نشانه‌ها زاییده این قواعد است و ارتباط برقرار کردن بدون وجود نشانه‌ها میسر نیست. نشانه‌شناسان به طور کلی رمزها را برحسب معیارهای خاص به دسته‌های متفاوتی تقسیم می‌کنند. در رویکرد مطالعات فرهنگی و علوم رسانه‌ای، رمزها را به گونه ذیل طبقه‌بندی کرده‌اند:

۱. رمزگان‌های اجتماعی: جامعه نظامی از روابط اجتماعی است و حضور انسان‌ها در این نظام، همواره و پیشاپیش با میثاق‌ها، آیین‌ها، هویت‌ها، نشان‌های گروهی، آداب و رسوم، مدها، بازی‌ها و... همراه است و از آنجاکه فرایندهای روابط اجتماعی و قاعده‌های آن ریشه در تاریخ و ناخودآگاه جمعی دارند، رمزهای اجتماعی دارای دلالت‌های ضمنی نیرومندی هستند (گیرو، ۱۳۸۰، ص ۱۲۶). بنابراین می‌توان رمزگان‌های اجتماعی را به رمزهای زیر تقسیم کرد:

الف) زبان کلامی (نحوی، واژه‌های، فرازبانی)؛

ب) رمزهای اندامی (برخورد جسمی، ظاهر، حالات چهره، حالات بدن، حرکات سر، اشارات...)

ج) رمزگان‌های کالامحور (مد، لباس، فناوری)؛

د) رمزهای رفتاری (مراسم، بازی‌ها، تشریفات، ایفای نقش) (ضمیران، ۱۳۸۲ هـ.ش).

۲. رمزگان‌های متنی یا بازنمودی: این نوع رمزگان‌ها که گیرو از آنها با عنوان رمزگان‌های زیبایی‌شناختی یاد می‌کند، کمتر جنبه اجتماعی دارند و بیشتر بر قدرت آفرینندگی

فرستنده تمرکز دارند. این رمزگان‌ها تصاویری از واقعیت شناخته می‌شوند که اغلب مبهم و ناپایدار هستند. آنها ابزارهایی هستند برای درک مسائلی که به سختی قابل مشاهده، توصیف یا فهم هستند، همچون امور نامعقول و امیال انسانی (گیرو، ۱۳۸۲ ه.ش، ص ۹۶ - ۹۸). این رمزگان‌ها را می‌توان به دسته‌های مختلف تقسیم کرد:

الف) رمزگان‌های فنی (از جمله رمزگان‌های تصویری و رسانه‌ای)؛

ب) رمزگان‌های هنری (در شعر، موسیقی و ...)

ج) رمزگان‌های سبکی، خطابی و بلاغی مانند روایت (پیرنگ، شخصیت، بازیگری و ...)

د) رمزگان‌های منطقی که خود شامل سه دسته رمزگان‌های علمی، نشانه‌ای و پیرازبانی است (جایگزین‌های زبانی بازگویان زبان، نظام‌های آموزشی، معرفت‌شناسی، علامت‌ها، ریاضیات، فالگیری و ...).

۳. رمزگان‌های تفسیری یا ایدئولوژیک: رمزهای ایدئولوژیک، دیگر رمزها را به گونه‌ای سامان می‌دهند که مجموعه‌ای از معانی سازگار و منسجم به وجود آید و این معانی نیز خود شعور متعارف جامعه را شکل می‌دهند. رمزگان‌های ایدئولوژیک به طور مستقیم به تأثیر قدرت در تنظیم و طبقه‌بندی رمزهای دیگر مربوط می‌شود. کارکرد رمزهای ایدئولوژیک، طبیعی‌سازی و اسطوره‌سازی از رمزهای قراردادی و قواعد سلطه‌گر است (فیسک، ۱۳۸۱ ه.ش، ص ۱۲۹ - ۱۳۰). رمزهای ایدئولوژیک محصول کدگذاری مبتنی بر قدرت است و دریافت سلطه، اعمال فرهنگی - اجتماعی مردم را هدایت می‌کند (استونز، ۱۳۷۹ ه.ش، ص ۴۰۸ - ۴۰۹). رمزهای ایدئولوژیک یا تفسیری رمزهای زیر هستند:

الف) رمزگان‌های ادراکی (ادراک بصری)؛

ب) رمزگان‌های ایدئولوژیک (پدرسالاری، نژادپرستی، فردگرایی ...) (ضیمران، ۱۳۸۲ ه.ش، ص ۱۳۶).

بنابراین اگر هرگونه پیام، ارتباط و قاعده‌ای دارای رمز باشد، رمزگذاری خصلت هرگونه تجربه

انسانی است. نشانه‌شناسان فرایند خلق و تفسیر متن را به ترتیب رمزگذاری و رمزگشایی می‌نامند.

استوارت هال - جامعه‌شناس انگلیسی - با انتقاد از نظریه‌های ارتباطی یک‌سویه که نقش عنصر انسانی را نادیده می‌گیرند، بر اهمیت سیاسی بودن، متقابل بودن و خلاقیت تولیدکننده و مصرف‌کننده در مدل‌های کدگذاری و رمزگشایی تاکید می‌کند. او ارتباطات را جریانی درون نهادها و گفتمان‌های قدرت می‌داند (استونز، ۱۳۷۹ ه.ش، ص ۴۰۸ - ۴۰۹). واقعیت ممکن است خارج از زبان باشد، اما همواره از طریق زبان و درون آن عمل می‌کند؛ به همین دلیل، همان‌طور که قبلاً اشاره شد، هیچ درکی بدون عملکرد رمزها وجود ندارد. رمزگان‌ها به‌طور مصنوعی ساخته و قراردادی هستند، ولی ممکن است چنان در تاریخ و زبان یک جامعه گسترش یابند که به نظر طبیعی و بدیهی برسند. این نوع رمزگان‌ها نتیجه اعمال قدرت در پنهان کردن خاستگاه‌ها، شیوه‌ها و کارکردهای رمزگذاری هستند (هال، ۱۳۸۲ ه.ش، ص ۳۴۲ - ۳۴۳).

هال با تفکیک میان معنی صریح و ضمنی نشانه به عنوان ابزاری تحلیلی، بر نقش ایدئولوژی‌ها در سطح ضمنی تأکید می‌کند. به عقیده او، ایدئولوژی‌های خاص در سطح ضمنی نشانه، معنا را تغییر می‌دهد و تحول می‌بخشند. رمزگان‌ها در این سطح، نشانه‌ای خاص را به دیگر نشانه‌ها و به دنیای اجتماعی وسیع‌تر پیوند می‌دهند. بنابراین رمزگان‌ها ابزارهایی هستند که از طریق آنها قدرت و ایدئولوژی در گفتارهای خاص معنا می‌یابند و نشانه‌ها به نقشه‌های معنایی درون فرهنگ‌ها ارجاع داده می‌شوند. بنابراین به نظر هال، سطح ضمنی دلالت‌های معنایی ارتباط نزدیکی با فرهنگ، دانش و تاریخ دارد و بر خلاف سطح صریح، بازتر، نامحدودتر، چندمعناتر و متحول‌تر است.

با این حال، باید تفاوت چندمعنایی سطح ضمنی نشانه با تکرر معنایی یا پلورالیسم در نظر گرفته شود. هر جامعه و تاریخی با تحمیل طبقه‌بندی خاص خود بر معانی، نشانه‌ها

و مسائلش، نظم فرهنگی غالبی را می‌سازد که اصول خاصی را برای تحمیل، ترجیح و تنظیم حوزه‌های معناشناختی بر دیگر حوزه‌ها تعیین می‌کند. رمزگشایی به آگاهی فرد از کل محیط اطرافش بستگی دارد (هال، ۱۳۸۲ ه.ش، ص ۳۴۶ - ۳۴۷). بنابراین رمزگشایی در الگوی چندمعنایی وابسته به محدودیت‌هایی است که رمزگذاری‌ها ایجاد کرده‌اند؛ چراکه اگر هیچ محدودیتی وجود نداشت، مخاطب می‌توانست از هر پیامی هر برداشت دلخواهی داشته باشد. بنابراین هال معتقد است بین کدگذاری و رمزگشایی، رابطه متقابلی وجود دارد. این رابطه متقابل یا تطابق، طبیعی و خودبه‌خود نیست، بلکه ساخته می‌شود و بافت آن به موقعیت اجتماعی و جایگاه مخاطب بستگی دارد (هال، ۱۳۸۲ ه.ش، ص ۳۴۹ - ۳۵۱). هال از سه موقعیت و به تبع آن سه قرائت مسلط، توافقی و متعارض صحبت می‌کند که بر نقش موقعیت‌ها و زمینه‌های اجتماعی در تفسیرها تأکید دارند (ضمیران، ۱۳۸۲ ه.ش، ص ۱۵۵).

۳. یافته‌ها

۳-۱. تحلیل یافته‌ها

در این بخش سریال‌های «سر دلبران» و «مشاور» از نظر رمزگان اجتماعی، فنی و ایدئولوژیک تحلیل شده‌اند.

۳-۱-۱. سریال تلویزیونی «سر دلبران» به کارگردانی محمدحسین لطیفی (۱۳۹۷)

۳-۱-۱-۱. رمزگان اجتماعی: واقعیت

۳-۱-۱-۱-۱. رمزهای لباس، ظاهر و محیط

در این سریال، سیدسلیم (برزو ارجمند)، فردی روحانی از طبقه متوسط است که در خانه ویلایی کوچک و قدیمی زندگی می‌کند. او از موتور برای رفت‌وآمد استفاده می‌کند که

نشان دهنده وضعیت اجتماعی متوسط اوست. خانه اش ساده و بدون تجملات است و در بیشتر سکانس ها بالباس روحانیت مرتب دیده می شود که هویت مذهبی و شخصیت آرام او را نشان می دهد.

یکی از نکات جالب سریال، اهمیت بازنمایی مسجد است. هر قسمت با نمایی از مسجد آغاز و پایان می یابد. مسجد در این سریال، مکانی برای تسلی دل دردمندان، حل مشکلات و برگزاری مراسم مختلف همچون عزاداری و عقدکنان مطرح شده است. مسجد در قسمت اول، پیش از نمایش شهر یزد، نمادی از توکل سیدسلیم به خداوند به تصویر کشیده می شود. ورود سیدسلیم و خانواده اش به یزد و رفتن به مسجد برای اقامه نماز صبح، اهمیت مسجد در زندگی او را نشان می دهد.

در قسمت دوم، نمای داخلی مسجد که قدیمی و بااصالت است، نمایش داده می شود. سیدسلیم پس از ورود به مسجد، فضایی تازه و روحی جدید به آن می بخشد. او با کمک اهالی محله، مسجد را بازسازی می کند و غرفه ها را به کلاس های آموزشی برای بانوان اختصاص می دهد. در ادامه سریال، مسجد به مکانی برای حل مشکلات اهالی تبدیل می شود و پس از نماز مغرب و عشا، مردم برای مشورت و رفع مشکلاتشان به آنجا رجوع می کنند.

در این سریال، افزون بر نقش مسجد در زندگی فردی و اجتماعی، نقش روحانیت نیز برجسته است. کل سکانس ها حول محور مسجد و روحانیت می چرخد.

۳-۱-۱-۲. رمزهای رفتار و گفتار

سیدسلیم در گفتگوهایش با لحن آرام و مؤدبانه ای صحبت می کند که نشان دهنده شخصیت مذهبی اوست. او روحانی مسجد محله ای است که به تازگی به آنجا منتقل شده است و با وجود مشکلات شخصی، توکل به خداوند را سرلوحه زندگی خود قرار

می‌دهد. در قسمت اول سریال، سیدسلیم و خانواده‌اش به محله جدید می‌آیند و خانه امام جماعت قبلی به آنها پیشنهاد می‌شود؛ اما مش سب‌حان - کلیددار مسجد - از اسکان آنها در این خانه جلوگیری می‌کند. در نهایت، بزرگان محله خانه‌ای دیگر پیشنهاد می‌دهند و سیدسلیم با کمال آرامش آن را می‌پذیرد و با جمله «شأن مؤمن به دوتا در و پنجره که مشخص نمی‌شود»، قناعت و ساده‌زیستی خود را نشان می‌دهد.

۳-۱-۱-۱-۳. انتخاب بازیگران

بازیگران با سوابقشان انتظارات خاصی در ذهن تماشاگران ایجاد می‌کنند که به تدریج تثبیت می‌شود. شخصیت‌های مثبت، معمولاً از سوی بازیگرانی ایفا می‌شوند که پیش‌تر در نقش‌های مشابه ظاهر شده‌اند و درباره شخصیت‌های منفی نیز این الگو صادق است. در این سریال، سیدسلیم (برزوارجمند)، روحانی مسجد محله است. ارجمند که در گذشته بیشتر نقش‌های مثبت و طنزآمیز ایفا کرده است، در این سریال نیز تصویر مثبت و آرامی از او به نمایش گذاشته می‌شود.

۳-۱-۱-۱-۴. گفتگوها

با توجه به دیالوگ‌ها و مباحث میان شخصیت‌های مثبت و منفی، تماشاگر قادر است هم ذات‌پنداری و همدلی با شخصیت‌های خیر را تجربه کند و در مقابل، احساس تنش و خصومت به شخصیت‌های شر پیدا کند. گفتارها به عنوان یکی از عناصر صوتی برجسته، واکنش‌های سریع و قوی از بیننده برمی‌انگیزند (سلبی و کاودری، ۱۳۸۰ ه.ش).

۳-۱-۱-۲. رمزگان فنی: بازنمایی

رمزهای فنی به دلیل تأثیر زیادی که در شکل‌دهی به معنای کلی اثر دارند، از اهمیت

ویژه ای برخوردارند. این رمزها بیشتر خلاقانه و نه فقط از دیدگاه فنی به کار گرفته می شوند تا در نهایت معنای عمیق تر و گسترده تری را منتقل کنند (سلبی و کاودری، ۱۳۸۰ ه.ش).

۳-۱-۱-۲-۱. زاویه دوربین

زاویه دوربین در فیلم سازی بر زیبایی و احساسات تأثیر دارد. زاویه رو به بالا، نشان دهنده قدرت، اما زاویه رو به پایین، ضعف و نمای هم سطح چشم احساس نزدیکی و برابری ایجاد می کند (سلبی و کاودری، ۱۳۸۰ ه.ش). در این سریال، زاویه دوربین هم سطح چشم است که ارتباط نزدیک با شخصیت ها را برقرار می کند، در حالی که زاویه رو به بالا برای مسجد نشان دهنده عظمت آن و اعتماد مردم به خداوند است.

۳-۱-۱-۲-۲. اندازه نما

نماها به تماشاگر کمک می کنند محل وقوع حوادث و جهت فضای صحنه را تشخیص دهد (سلبی و کاودری، ۱۳۸۰ ه.ش). نماهای دور در این سریال، متوسط و نزدیک به کار رفته است؛ اما بیشتر نماها از نوع نمای درشت هستند تا حالت عاطفی و احساسی شخصیت ها به بیننده منتقل شود.

۳-۱-۱-۳. ترکیب بندی

در ترکیب بندی نامتقارن، موضوع معمولاً در یک طرف تصویر قرار می گیرد که حس آرامش و نظم را ایجاد می کند (سلبی و کاودری، ۱۳۸۰ ه.ش). در این سریال، بیشتر صحنه ها با ترکیب بندی نامتقارن طراحی شده است که واقع گرایی و زندگی روزمره سوژه ها را به نمایش می گذارد.

۳-۱-۱-۲-۴. نورپردازی

نورپردازی برای تأکید بر فرم و جنسیت سوژه‌ها با ایجاد سایه و روشنایی توجه بیننده را جلب می‌کند (سلبی و کاودری، ۱۳۸۰ ه.ش). در سریال، نورپردازی با کنتراست کم واقع‌گرایی رانشان می‌دهد و در صحنه‌های مسجد، نور گرم آرامش ایجاد می‌کند. همچنین در سکانس‌های رازونیز، نورپردازی کم نور فضایی آرام و خلوت را می‌سازد.

۳-۱-۱-۲-۵. دیالوگ

در سریال «سر دلبران» بنا بر گفتگوهای شخصیت‌ها می‌توان به نوع بازنمایی مسجد و شناخت بیشتر آن دست یافت. در گفتگویی که بین سید سلیم و مش سبحان اتفاق می‌افتد و مش سبحان از رفت و آمد کم مردم به مسجد بعد از فوت حاج فتح‌الله شکایت می‌کند، داریم: «آقا پروانه (کاسب و جزء قشر مرفه شهر) که مش سبحان را مخاطب قرار داده است، می‌گوید: مشتی، مردم باید از مسجد خیر ببینن که بیان و یرن. مسجد باید جزئی از زندگی مردم باشه.

دکتر محله: آفرین، احسنت. به قول حاج فتح‌الله مسجد باید پشت و پناه مردم باشه. باید گره از کار مردم باز کنه.
مش سبحان: احسنت».

در این گفتگو که در صحن مسجد بعد از نماز ظهر میان اهالی محل مانند دکتر محله، پهلوان محله، آقای پروانه، مش سبحان و سید سلیم رخ می‌دهد، مش سبحان اشاره می‌کند که بعد از فوت حاج فتح‌الله، مردم دیگر به مسجد به چشم یک نمازخانه نگاه می‌کنند و حال و هوای قدیمی مسجد از بین رفته است. او معتقد است رفت و آمد مردم به مسجد کم‌رنگ‌تر شده است و دیگر کسی از روحانی جدید - سید سلیم - همان توجه و احترام را ندارد. این دیالوگ نشان‌دهنده اهمیت روحانی پیشین در جذب مردم به مسجد است.

در سکانس دیگری از قسمت چهارم این سریال، مردم از آمدن روحانی جدید خیلی راضی نیستند. آنها در صدد ایجاد مشکل برای سید سلیم هستند. سید سلیم که از جفای مردم شهر به تنگ آمده است، نیمه شب به مسجد می رود و در خلوت خود با خدا این گونه راز و نیاز می کند:

«سید سلیم: الهی دردهایی هست که نمی توان گفت و گفتنی هایی هست که هیچ قلبی محرم آن نیست. الهی اشک هایی هست که با هیچ دوستی نمی توان ریخت و زخم هایی که هیچ مرهمی آن را التیام نمی بخشد و تنهایی است که هیچ جمعی آن را پر نمی کند. الهی قدم های گمشده ای دارم که تنها هدایت گرش تویی و به آزمون هایی دچارم که اگر دستم نگیری و مرا با آنها محک بزنی، شرمنده خواهم شد. الهی با این همه باکی نیست؛ زیرا من همچون تویی دارم، تویی که همانندی نداری و رحمتت را هیچ مرزی نیست. ای تو خالق دعا و مالک آمین».

این گفتگو که در نیمه شب اتفاق می افتد، نشان از اعتقاد محکم و راسخ سید سلیم به خداوند و اهمیت جایگاه مسجد در زندگی اوست. سید سلیم در مواقعی که طاقش تمام می شود و از رفتار و کردار مردم محله دلگیر می گردد، فقط به مسجد روی می آورد و در آنجا به آرامش می رسد.

در قسمت نهم این سریال که در داخل مسجد فیلم برداری شده است، سید سلیم از نقش جوانان و اهمیت حضور آنان در مسجد سخن می گوید. در این سکانس اهالی و بزرگان محل در مسجد دور هم جمع شده اند و درباره مسائل مختلف مربوط به امور مسجد با هم صحبت می کنند که سید سلیم در این سکانس می گوید: «سید سلیم: الان مهم ترین مسئله برای من اینه که جوونا پاشون به مسجد باز بشه. مسجد و جووناش. اونا باید احساس کنند که مسجد خونشونه».

در این قسمت مش سبCHAN دوباره از حاج فتح الله یادی می کند و می گوید از وقتی او رفته

است، دیگر جوانان پا به مسجد نمی‌گذرانند و اهمیتی به نمازخواندن در فضای مسجد نمی‌دهند. در این زمان سیدسلیم این دیالوگ را انجام می‌دهد و می‌گوید جوانان باید مسجد را خانه خودشان بدانند تا میل و رغبتی در آنها ایجاد شود و به مسجد بیایند. در قسمت ۲۲ این سریال درباره اهمیت و انجام فعالیت‌های مختلف در مسجد از جمله برپایی مراسم عقدکنان داریم:

«سیدسلیم: این باور غلط از کجا به وجود آمده که مسجد فقط برای ختم و عزاست و یا نماز جماعت. نه، مسجد جای شادیه. ما می‌تونیم در مسجد شاد باشیم، با خدای خودمان شاد راز و نیاز کنیم. همه ما توصیه رسول اکرم (ص) را شنیدیم که «النکاح سنتی». سنت رسول خداست. مگر امیرالمؤمنین (ع) و حضرت فاطمه (س) را در مسجد به عقد هم درنیاموردند. مگه مسجد فقط جای عزاست. من امیدوارم که این مراسم فرخنده فتح‌البابی بشه بابت اینکه هر کس که پیرو سنت رسول خداست، این مراسم را در خانه خدا برگزار کند، ان شاء الله».

در این سکانس که در ماه رمضان اتفاق می‌افتد، دوزوج که در پنجاه سالگی ازدواج می‌کنند، مراسم عروسی خود را در مسجد برگزار می‌کنند. مش سبCHAN به سیدسلیم اعتراض می‌کند که چرا زن و مرد در کنار هم شادی می‌کنند و باید مکان‌ها از هم جدا باشد. سیدسلیم با سخنرانی از بالای منبر، به تبیین روح دین و احترام به انتخاب‌ها می‌پردازد و پاسخ می‌دهد.

۳-۱-۳. رمزگان ایدئولوژیک

سریال «سر دلبران» به خوبی مسجد را در جایگاه نماد فرهنگی و اجتماعی در جامعه ایرانی نشان می‌دهد. مسجد در این سریال نه تنها مکانی برای عبادت، بلکه محلی برای حل مشکلات اجتماعی و تقویت روابط مردم است. طراحی معماری مسجد با ویژگی‌هایی مانند دیوارهای آجرسفال و حوضچه آبی رنگ، حس معنویت و هویت مذهبی را تقویت

می کند (کریمی و دادور، ۱۳۹۹ ه. ش). شخصیت سید سلیم - امام جماعت - با اخلاق نیکو و تعاملات مثبت خود مردم را به مسجد جذب می کند و به حل مشکلات اجتماعی آنها کمک می کند (خالقیان، ادیب زاده و سعدوندی، ۱۴۰۰ ه. ش).

سریال به ویژه بر تعامل نسل جوان با مسجد تمرکز دارد و نشان می دهد که فعالیت هایی مانند نظافت مسجد و برگزاری مراسم ها سبب می شود جوانان به طور مستمر در مسجد حضور داشته باشند (سلبی و کاودری، ۱۳۸۰ ه. ش). همچنین نماهای مختلف از مسجد و زاویه های بلند دوربین، جایگاه ویژه آن را در جامعه و ارزش های دینی نشان می دهد (قدیر، ۱۳۸۵ ه. ش). در نهایت مسجد در این سریال، فضایی اجتماعی و فرهنگی است که افزون بر عبادت، مکانی برای حل مشکلات و تقویت پیوندهای اجتماعی معرفی می شود (سلطانی فرد و سیدمرادی، ۱۳۹۵ ه. ش).

۳-۱-۲. سریال تلویزیونی «مشاور» به کارگردانی محمدصادق بکتاش (۱۴۰۳)

۳-۱-۲-۱. رمزگان اجتماعی: واقعیت

۳-۱-۲-۱-۱. رمزهای لباس، ظاهر و محیط

لباس شخصیت روحانی سید محمد هادی در سریال، از جمله عمامه و عبای مشکی، نماد مقام دینی و معنوی اوست و تواضع و سادگی او طبق اصول دین اسلام را نشان می دهد. این پوشش ساده به ویژه در محیط های اجتماعی، ارتباط عمیق او با مردم را نمایان می کند (سلبی و کاودری، ۱۳۸۰ ه. ش، ص ۶۵). چهره آرام و متفکر سید محمد هادی و حرکات سنجیده اش، عمق معنوی و آگاهی از مسائل دینی و اجتماعی را نشان می دهند (کیسبی یر، ۱۳۸۶ ه. ش). مسجد نیز در این سریال افزون بر محل عبادت، به مکانی برای آموزش، مشاوره و حل مشکلات اجتماعی تبدیل شده است و شخصیت سید محمد هادی نقش مهمی در ترویج وحدت اجتماعی و حل مشکلات مردم ایفا می کند (کریمی و دادور،

۱۳۹۹ ه.ش).

۳-۱-۲-۱-۳. رمزهای رفتار و گفتار

در سریال «مشاور»، گفتار و رفتار شخصیت‌ها ارتباطشان با مفاهیم مذهبی را نشان می‌دهد. واژه‌های دینی مانند «نماز» و «الله» میزان پایبندی شخصیت‌ها به اصول مذهبی را نمایان می‌کند. برخی با احترام به مفاهیم مذهبی برخورد دارند؛ درحالی‌که دیگران با لحن طعنه‌آمیز به آنها اشاره می‌کنند که نشان‌دهنده شکاف‌های اجتماعی است. رفتار شخصیت‌ها در مواجهه با مناسک دینی، مانند شرکت در نماز جماعت یا بی‌توجهی به آن، تعلق یا عدم تعلق به جامعه مذهبی را به نمایش می‌گذارد.

۳-۱-۲-۳. انتخاب بازیگران

انتخاب بازیگر نقش‌ها در موفقیت سریال‌ها نقش حیاتی دارد و کارگردان باید با دقت بازیگران را بر اساس سابقه‌شان انتخاب کند. نقش اصلی در سریال «سر دلبران» به فرهاد قائمیان سپرده شده است که معمولاً در نقش‌های پلیسی شناخته می‌شود؛ اما در این سریال برای اولین بار نقش یک روحانی را بازی می‌کند و توانسته است به خوبی از پس این نقش برآید. این انتخاب نشان‌دهنده دقت کارگردان در بهره‌برداری از توانایی‌های بازیگری قائمیان است.

۳-۱-۲-۴. گفتگوها

با توجه به گفتگوهای متن فیلم که بین شخصیت‌های مثبت و منفی درمی‌گیرد، بیننده می‌تواند با شخصیت‌های مثبت همدلی و هم‌ذات‌پنداری و در برابر شخصیت‌های منفی ابراز خصومت و دشمنی کند. گفتگوها آن نوع از ویژگی‌های صوتی است که بینندگان به

راحت‌ترین شکل به آن واکنش نشان می‌دهند (سلبی و کاودری، ۱۳۸۰ه.ش).

۳-۱-۲-۲. رمزگان فنی: بازنمایی

۳-۱-۲-۱. زاویه دوربین

در نماهای هم‌سطح چشم، دوربین ارتباطی برابر با شخصیت‌ها برقرار می‌کند و حس نزدیکی ایجاد می‌نماید (سلبی و کاودری، ۱۳۸۰ه.ش). در مقابل، زاویه‌های بلند قدرت معنوی شخصیت‌هایی مانند سید محمد هادی را نشان می‌دهند؛ به‌ویژه در صحنه‌های مسجد که موقعیت بالاتر او را به عنوان مرشد دینی نمایان می‌کند.

۳-۲-۲-۱. اندازه نما

در این سریال مانند سریال قبلی، از نماهای دور، متوسط و نزدیک استفاده شده است. با این حال، بیشتر نماها درشت هستند تا حالت عاطفی و احساسی شخصیت‌ها را به بیننده منتقل کنند و احساسی از نزدیکی به کاراکترهای داستان ایجاد نمایند.

۳-۱-۲-۳. ترکیب بندی

در این سریال مانند سریال «سر دلبران»، از ترکیب بندی نامتقارن استفاده شده است. موضوع در این نوع ترکیب بندی، معمولاً در یک طرف قرار می‌گیرد که این حالت حس آرامش و آسودگی را به وجود می‌آورد؛ زیرا تصویر به نظر بی‌الگو یا ساختار است. این ترکیب بندی می‌تواند توهم نظم، ثبات یا آرامش را ایجاد کند (ساروخانی و رفعت جاه، ۱۳۸۳ه.ش). در این سریال نیز بیشتر از ترکیب بندی‌های نامتقارن استفاده شده است که زندگی روزمره شخصیت‌ها را به تصویر می‌کشد و بر واقع‌گرایی تأکید دارد.

۳-۱-۲-۲-۴. نورپردازی

نورپردازی با تضاد؛ منظور از نورپردازی با تضاد این است که قسمت‌های تیره تصویر تقریباً سیاه و روشن‌ترین قسمت‌ها به طور شفاف سفیدند (سلبی و کاودری، ۱۳۸۰ ه.ش، ص ۶۵). نورپردازی در بیشتر صحنه‌های این سریال با تضاد، سرد و طبیعی است و بیشتر سکانس‌ها در شب و در فضای داخلی فیلم برداری شده‌اند.

۳-۱-۲-۲-۵. دیالوگ

در این سریال، دیالوگ‌هایی که بین شخصیت‌های روحانی و دیگر شخصیت‌ها ردوبدل می‌شود، اغلب می‌تواند تأکید زیادی بر اهمیت مسجد در جایگاه یک مرکز اجتماعی داشته باشد. برای درک اهمیت مسجد، دیالوگ‌ها بین شخصیت سید محمد هادی و مش احمد که کلیددار مسجد محله است، می‌تواند به مایاری برساند. دیالوگ ذیل در خصوص آمدن جوانی به سمت مسجد است که اتفاقاً لحظات پایانی وقت نماز ظهر به مسجد خود را می‌رساند و مش احمد در حال بستن درب مسجد است. مش احمد شروع به جروب‌بحث با جوان می‌کند و با طعنه و کنایه به او می‌گوید که حالا یادت افتاده است باید نماز بخوانی؟ در این سکانس روحانی مسجد، حاج آقا حسینی به سمت درب مسجد می‌آید که این صحنه را می‌بیند و این دیالوگ ردوبدل می‌شود:

«سید محمد هادی: مش احمد چرا پیش خلق الله داری بد خلقی می‌کنی؟»

مش احمد: حاج آقا مگه من چقدر می‌گیرم؟ تمام چشم من باید به سوراخ سمبه‌های اینجا باشه. یه ذره دوزره که نیست.

سید محمد هادی: مش احمد در خونه خدا باید باز باشه، خونه امن آدم‌هاست. بعدشم این

چه حرفیه می‌زنی؛ من چقدر می‌گیرم...».

در این قسمت سید محمد هادی با ناراحتی این دیالوگ را می‌گوید که مش احمد در جواب می‌گوید:

«مش احمد: ببخشید حاج آقا از دهنم پرید.

سید محمد هادی: بی‌انصافی نکن مش احمد».

در قسمت نوزدهم این سریال، سکانشی از حیاط مسجد نشان داده می‌شود که مش احمد در حال بستن درب مسجد است. دو جوان در حال بیرون آمدن از مسجد هستند که مش احمد با اشاره به آنها می‌گوید سریع‌تر حرکت کنند و از مسجد خارج شوند تا او بتواند درب مسجد را ببندد. در همین زمان حاج آقا حسینی یا همان سید محمد هادی از بیرون به سمت مسجد می‌آید تا به دفتر محل کار خود برود که رفتار مش احمد را مشاهده می‌کند و این گفتگو انجام می‌گیرد:

«سید محمد هادی: مش احمد؟

مش احمد: جانم حاج آقا!

سید محمد هادی: چرا در مسجد و می‌بندی، هزار بار گفتم در مسجد باید از نماز صبح تا نماز مغرب باز باشه، شب می‌بندن. برای راحتی خودت مردم رو توی معذوریت ننداز، عه، اون یکی دیگه رو هم باز کن».

در دیگر سکانش‌های این سریال، دیالوگ‌هایی بین مشاوره دادن روحانی سریال به اشخاص مختلف که برای گرفتن مشاوره به او مراجعه می‌کنند، مطرح می‌شود که به درک اهمیت کارکردهای مختلف مسجد به ما کمک می‌کند. روحانی معمولاً در صحبت‌های خود از مسجد با عنوان مکانی یاد می‌کند که فراتر از عبادات دینی، برای حل مشکلات روزمره و ایجاد ارتباطات اجتماعی نقش اساسی ایفا می‌کند.

«سید محمد هادی: مسجد تنها جایی برای نماز نیست. اینجا مکانی است برای درک

درد‌ها و مشکلات مردم، جایی که می‌تونیم با هم مشکلات زندگی مان را حل کنیم». این دیالوگ نشان‌دهنده این موضوع است که مسجد یک فضای اجتماعی و فرهنگی است که در کنار بعد معنوی‌اش به طور مستقیم با زندگی اجتماعی مردم ارتباط دارد. در این سریال همانند بسیاری از سریال‌های ایرانی که مسجد را فضای حل‌کننده مشکلات به تصویر می‌کشند، دیالوگ‌هایی بین روحانی و افرادی مطرح می‌شود که با بحران‌های اجتماعی، خانوادگی یا شخصی روبرو هستند. این دیالوگ‌ها معمولاً بر اهمیت همدلی، آشتی و درک متقابل تأکید دارند و نشان می‌دهند که مسجد می‌تواند مکانی برای آشتی دادن و حل اختلافات خانوادگی باشد. در سکانسی از این سریال آمده است: «زن (مراجعه‌کننده به روحانی): ما دو ساله از هم جدا شدیم، نه می‌دونم چه اشتباهی کردم، نه می‌دونم چطور از این بحران بیرون بیام.

سید محمد هادی: تمام این مشکلات به خاطر فاصله گرفتن از خدا و یکدیگر پیش آمده. حالا وقتشه که دوباره از اینجا شروع کنیم، اینجا در مسجد ما می‌تونیم به هم نزدیک بشیم». این دیالوگ می‌تواند اشاره‌ای به نقش مسجد در آشتی دادن افراد و حل مشکلات خانوادگی داشته باشد. مسجد نقطه‌ای است که در آن افراد می‌توانند از راهنمایی‌های دینی برای بازسازی زندگی‌شان بهره ببرند.

مسجد در سریال‌های ایرانی نه تنها مکانی برای عبادت، بلکه فضایی برای آموزش معنوی و اجتماعی است. این آموزش‌ها شامل دروس دینی، مشاوره روان‌شناختی و جلسات اجتماعی می‌شود. روحانی در دیالوگ‌ها به مخاطب یادآوری می‌کند که مسجد باید آگاهی اجتماعی و دینی را افزایش دهد.

«سید محمد هادی: این جلسات فقط برای یادآوری نماز نیست، بلکه برای یادآوری مسئولیت‌های ما در قبال همسایه‌ها، خانواده‌ها و جامعه مون است». این دیالوگ می‌تواند نشان دهد که مسجد مکانی برای آموزش و یادآوری وظایف اجتماعی و اخلاقی نیز مطرح

است.

مسجد در این سریال، محلی برای بازسازی و ترمیم روابط اجتماعی به‌ویژه در شرایطی که افراد دچار مشکلاتی از قبیل فساد اجتماعی یا نابسامانی‌های اقتصادی هستند، مطرح می‌شود. در این مواقع، دیالوگ‌ها غالباً بر اهمیت ایمان، تعاون و تلاش جمعی در حل مشکلات اجتماعی تأکید دارند. در این باره در سریال مشاهده می‌کنیم:

«مردی در مسجد: شاید همه ما خودمون رو به فراموشی زدیم، اما اینجا جایی برای یادآوری همدلی و کار دسته جمعی است. وقتی همه مون دست به دست هم بدیم، می‌تونیم جامعه رو از این مشکلات نجات بدیم». این دیالوگ می‌تواند اشاره داشته باشد که مسجد جایی برای جذب افراد به یک هدف اجتماعی مشترک است و در آنجا می‌توانند دست به دست هم دهند و مشکلات جمعی را حل کنند.

یکی از جنبه‌های مهم مسجد در سریال، پناه‌بردن به آن در زمان بحران است. شخصیت‌ها به‌ویژه در شرایط دشوار و ناامیدی به مسجد می‌روند تا آرامش و راه حل پیدا کنند. در دیالوگ‌ها، روحانی یا دیگر افراد مسجد یادآوری می‌کنند که صبر، دعا و ارتباط با خداوند می‌تواند راه حل اصلی برای مشکلات زندگی باشد؛ از جمله:

«مردی در حال شکایت کردن به روحانی: من تمام تلاشم رو کردم، هیچ چیزی درست نمی‌شه. زندگی برام مثل یه کوه سخت شده.

سید محمد هادی: باید بدونی که همه چیز دست خداست. اینجا در مسجد می‌تونی دوباره از نو شروع کنی. اینجا جاییه که باید آرامش رو پیدا کنی». این دیالوگ می‌تواند نشان‌دهنده مسجد در جایگاه محلی برای پیدا کردن آرامش و امید دوباره باشد.

در سریال‌هایی که به مسجد و اهمیت آن می‌پردازند، از جمله سریالی که به تحلیل آن می‌پردازیم، بیشتر شاهد استفاده از آیات قرآن یا احادیث معصومان (ع) در دیالوگ‌ها هستیم. این نقل قول‌ها می‌توانند مستقیم به حل مشکلات اجتماعی یا آرامش در برابر مشکلات

فردی اشاره کنند.

«سید محمد هادی: قرآن می‌فرماید: «فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا» پس بدانید که با هر سختی، آسانی نیز هست». ما باید صبور باشیم و دست از دعا برنداریم». این نوع دیالوگ‌ها می‌تواند نشان‌دهنده تأثیر آموزه‌های دینی و قرآن در زندگی روزمره و حل مشکلات فردی و اجتماعی باشد.

۳-۱-۲-۳. رمزگان ایدئولوژیک

مسجد در سریال «مشاور» فقط در جایگاه مکان مذهبی برای نماز به تصویر کشیده نمی‌شود، بلکه مکانی چند منظوره است که نقش اجتماعی و فرهنگی را نیز ایفا می‌کند. این مسجد افزون بر محل عبادت، فضایی برای مشاوره دینی، آموزش، حل اختلاف‌های اجتماعی و مشارکت‌های خیریه نیز معرفی می‌شود. در مواقعی که افراد با مشکلات اجتماعی یا خانوادگی روبرو می‌شوند، مسجد با عنوان یک نقطه پشتیبانی وارد عمل می‌شود و به حل مشکلات می‌پردازد. مسجد در این سریال فضایی امن و بدون قضاوت برای مشاوره دینی و روان‌شناختی نیز شناخته می‌شود که افراد می‌توانند بدون ترس از قضاوت، مسائل خود را مطرح کنند و راه حل‌های معنوی و انسانی پیدا کنند.

شخصیت روحانی در سریال بیشتر از یک روحانی مذهبی، یک مشاور اجتماعی شناخته می‌شود. او نه تنها در مسائل دینی بلکه در مسائل روان‌شناختی و اجتماعی نیز وارد می‌شود و به افراد کمک می‌کند در زندگی خود مسیر درست را پیدا کنند. این شخصیت در جایگاه فردی با نگاه دینی و انسانی به مشکلات، نقش کلیدی در حل بحران‌های خانوادگی، اجتماعی و حتی مشکلات مالی ایفا می‌کند. در این سریال، شخصیت روحانی نه تنها یک الگوی اخلاقی است، بلکه فردی است که فرصت تغییر و اصلاح را فراهم می‌کند. او با دقت به مسائل افراد می‌نگرد و به آنها در یافتن راه حل‌های انسانی و دینی کمک می‌کند.

نکته درخور توجه در این سریال، عدم ایده آل سازی شخصیت روحانی است. او با چالش ها و مشکلات اخلاقی روبرو می شود که این امر شخصیت او را انسانی و واقعی تر نشان می دهد. این ویژگی سبب می شود مخاطب با شخصیت های سریال ارتباط بهتری برقرار کند. در نهایت مسجد در سریال، مرکز فعالیت های اجتماعی و فرهنگی معرفی می شود که افزون بر آموزش دینی، به تقویت همبستگی اجتماعی، رفع مشکلات و کمک به افراد نیازمند می پردازد و پیام اصلی سریال را که تأکید بر ظرفیت نهادهای دینی برای تغییرات مثبت اجتماعی است، به خوبی منتقل می کند.

جدول ۱: مقایسه تطبیقی دو سریال «سَرّ دلبران» و «مشاور» بر اساس رمزگان های اجتماعی، فنی و ایدئولوژیک

سریال مشاور	سریال سَرّ دلبران	رمزگان ها رمزگان اجتماعی
		
لباس های ساده و رسمی، محیط های شهری	لباس های سنتی، محیط های روستایی و منازل ساده	رمزگان لباس، ظاهر و محیط
گفتار مستقیم و رسمی، رفتار شخصیت ها منطقی و مدبرانه	گفتار احساسی، رفتار شخصیت ها درگیر احساسات و تعصب	رمزهای رفتار و گفتار
بازیگران با چهره های جدی و قوی، تخصصی و حرفه ای	بازیگران با چهره های معصوم و سنتی، شخصیت های آرام	انتخاب بازیگران
دیالوگ های کوتاه، کاربردی و عملی	دیالوگ های طولانی تر، پر از احساسات و تردیدها	گفتگوها

رمزگان فنی		
زاویه دوربین	دوربین اغلب از زوایای متفاوت و نزدیک به چهره‌هاست	دوربین معمولاً از زوایای مستقیم و ثابت استفاده می‌کند
اندازه نما	نماهای نزدیک به شخصیت‌ها، همچنین نمای باز برای محیط	نماهای متوسط و نزدیک به شخصیت‌ها برای تأکید بر موقعیت‌های خاص
ترکیب بندی	ترکیب بندی‌های پیچیده‌تر با تأکید بر جزئیات محیط و شخصیت‌ها	استفاده از فضای ساده و باز، تأکید بر شخصیت‌ها و گفتگوها
نورپردازی	نورپردازی گرم و طبیعی، فضای بیشتر روز و روشن‌تر	نورپردازی سرد و طبیعی، بیشتر در شب و فضای داخلی
دیالوگ	دیالوگ‌ها پر از احساسات و تکمیل‌کننده شخصیت‌ها	دیالوگ‌ها سریع و مختصر با تمرکز بر اطلاعات مهم

جدول ۲: ادامه

رمزگان‌ها رمزگان ایدئولوژیک	سریال سر دلبران	سریال مشاور
ارزش‌ها و مفاهیم اجتماعی	تأکید بر عقلانیت و برقراری عدالت در تصمیم‌گیری‌ها	ارزش‌های خانوادگی، احترام به سنت‌ها و وفاداری
روابط قدرت	پرداختن به قدرت‌های اجتماعی و روان‌شناسی شخصیت‌ها	نشان دادن تفاوت‌های طبقاتی و توجه به تفاوت‌های اجتماعی

هویت و جایگاه فرد در جامعه	شخصیت ها بیشتر به دنبال ایجاد هویت مستقل و حرفه ای	شخصیت ها بیشتر به دنبال پیدا کردن هویت در جمع و خانواده
مفاهیم اخلاقی	مفاهیم اخلاقی مبتنی بر عدالت و حقیقت جویی	مفاهیم اخلاقی در راستای فداکاری، عشق و خانواده

بحث و نتیجه

با توجه به اهمیت رسانه ها و سریال های تلویزیونی به عنوان ابزارهای مؤثر در آموزش و اطلاع رسانی، بررسی بازنمایی های مذهبی و اجتماعی در این رسانه ها می تواند درک بهتری از تعامل دین، فرهنگ و رسانه در جامعه مدرن ارائه دهد (گیدنز، ۲۰۰۹). در این نوشتار، تلاش شد بازنمایی نقش مسجد در دو سریال «سَرّ دلبران» و «مشاور» بررسی شود. این دو سریال با وجود تفاوت های ساختاری و محتوایی، به نوعی در بازنمایی نقش مسجد در جامعه ایرانی به ویژه در ابعاد اجتماعی و فرهنگی، شباهت ها و تفاوت های جالب توجهی دارند. بررسی بازنمایی مسجد در این سریال ها نشان می دهد که تلویزیون در جایگاه یکی از مؤثرترین رسانه ها در شکل دهی به نگرش ها و تصورات عمومی، نقش ویژه ای در معرفی و ترویج فضاهای مذهبی دارد.

این پژوهش به طور خاص به بررسی بازنمایی مسجد در دو سریال تلویزیونی «سَرّ دلبران» و «مشاور» پرداخته است. یافته ها نشان می دهد که مسجد در هر دو سریال، نهادی اجتماعی و فرهنگی معرفی شده است؛ با این حال شیوه نمایش این نقش ها در هر کدام متفاوت است. در سریال «سَرّ دلبران»، مسجد بیشتر مکانی برای تقویت معنویت فردی و حل بحران های دینی شخصیت ها به تصویر کشیده می شود؛ در حالی که در سریال «مشاور»، مسجد فضایی برای مشاوره اجتماعی و حل مسائل خانوادگی و اجتماعی

برجسته می‌شود. این تفاوت‌ها نشان‌دهنده تکامل نگرش‌های رسانه‌ای به نقش مسجد در جامعه معاصر است که در آن ابعاد اجتماعی و فرهنگی این نهاد بیشتر از گذشته مورد توجه قرار گرفته است.

در مقایسه با پژوهش‌های پیشین، می‌توان شباهت‌ها و تفاوت‌های بسیاری را مشاهده کرد که بر اساس آنها می‌توان تحلیل دقیق‌تری از تغییرات در شیوه بازنمایی مسجد در تلویزیون ارائه داد. به طور خاص، تحقیق آذری (۱۳۹۷) در بررسی تأثیر برنامه‌های دینی تلویزیونی بر تغییر نگرش‌های دینی جوانان، مسجد را مکانی مقدس و برای انتقال آموزه‌های دینی معرفی می‌کند. این یافته‌ها مشابه با شیوه نمایش مسجد در سریال «سر دلبران» است؛ جایی که مسجد در جایگاه مرکز دینی و معنوی برای شخصیت‌ها به تصویر کشیده می‌شود. همچنین همان‌طور که در پژوهش آذری تأکید شده است، مسجد مکانی برای شکل‌دهی هویت دینی و اخلاقی در این سریال نقش‌آفرینی می‌کند.

اما تفاوت‌هایی نیز میان این تحقیق و پژوهش‌های پیشین وجود دارد. در پژوهش‌های دیگری چون تحقیقی که از سوی طالبی و قرنی (۱۳۹۹) انجام شده است، بازنمایی دینداری در سریال تلویزیونی «مادرانه» بررسی شده است. این پژوهش نشان می‌دهد که دینداری یک عامل مثبت در زندگی شخصیت‌ها معرفی می‌شود و به طور ویژه در زمینه‌های اخلاقی و تصمیم‌گیری‌های شخصیتی به نمایش درمی‌آید. در مقابل، در سریال «مشاور»، نقش مسجد بیشتر به عنوان فضایی برای مشاوره اجتماعی و حل بحران‌های اجتماعی شخصیت‌ها مطرح است؛ جایی که روحانیان به عنوان مشاوران اجتماعی و مربیان اخلاقی عمل می‌کنند. این تفاوت در نگاه به مسجد از جنبه‌های معنوی به جنبه‌های اجتماعی و مشاوره‌ای می‌تواند نشان‌دهنده تغییرات در نگرش‌های رسانه‌ای به نقش مسجد در جامعه باشد.

یکی از مهم‌ترین پژوهش‌هایی که به این مسئله می‌پردازد، تحقیق فرخی و خلجی (۱۴۰۰) است که در آن به بررسی کارکردهای فرهنگی - ارتباطی مساجد دانشگاهی پرداخته

شده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که مساجد دانشگاهی افزون بر جنبه‌های عبادی، فضاهایی اجتماعی و فرهنگی برای برگزاری نشست‌های علمی و فعالیت‌های اجتماعی هستند. این یافته‌ها مشابه با نقش مسجد در سریال «مشاور» است؛ جایی که مسجد فضایی اجتماعی و فرهنگی برای حل مشکلات اجتماعی به نمایش گذاشته می‌شود. این شباهت‌ها نشان می‌دهند که رسانه‌ها به‌ویژه تلویزیون در حال تغییر و تکامل نگرش‌های عمومی به نقش مسجد در جامعه هستند. نتایج حاصل از پژوهش خجیر (۱۴۰۳) که به بررسی راهبردهای استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی در نظام تبلیغی - رسانه‌ای مساجد پرداخته است، نشان می‌دهند که استفاده از فضای مجازی می‌تواند به گسترش و تقویت نقش مسجد در جامعه کمک کند، به‌ویژه در زمینه‌های تبلیغی و مشاوره‌ای. این رویکرد در سریال «مشاور» با تأکید بر جنبه‌های مشاوره‌ای مسجد و نقشی که روحانیون در حل بحران‌های اجتماعی و خانوادگی ایفا می‌کنند، مشابه است. با این حال، در این سریال‌ها توجه بیشتری به نقش مسجد در فضای فیزیکی و اجتماعی جامعه معاصر شده است، در حالی که تحقیق خجیر بیشتر بر فضای مجازی و رسانه‌های دیجیتال تمرکز دارد.

در پژوهش‌های جهانی نیز به‌طور مشابه به نقش مسجد در جایگاه نهادی اجتماعی پرداخته شده است؛ برای مثال در تحقیق حسن و احمد (۲۰۲۳) که به بررسی نقش مساجد با عنوان مراکز آموزشی و مشارکت اجتماعی در جوامع اسلامی پرداخته‌اند، مساجد مراکزی برای آموزش دینی و همچنین ارتقای مشارکت اجتماعی معرفی شده‌اند. این یافته‌ها هم‌راستا با آنچه در سریال «سز دلبران» به تصویر کشیده شده است، جایی که مسجد به عنوان مکانی برای رشد دینی و اجتماعی شخصیت‌ها معرفی می‌شود. همچنین تحقیق سوجاک و همکاران (۲۰۲۱) به تأثیرات معماری مساجد سنتی بر ساختار اجتماعی جوامع اسلامی پرداخته است و نشان می‌دهد که طراحی فضاهای مساجد نه تنها بر جنبه‌های

مذهبی، بلکه بر روابط اجتماعی جامعه مسلمانان تأثیر می‌گذارد. این یافته‌ها به طور غیرمستقیم با بازنمایی‌های متفاوت از فضای مسجد در دو سریال اشاره دارند؛ جایی که ابعاد اجتماعی و فرهنگی مسجد از منظرهای مختلف بررسی شده است.

در نهایت این پژوهش بر اهمیت تغییر نگرش‌های رسانه‌ای به مسجد تأکید دارد و پیشنهاد می‌کند که مساجد در رسانه‌ها با عنوان نهادهایی با کارکردهای جامع‌تر و فراتر از عبادت به تصویر کشیده شوند. این تغییرات می‌توانند به شکل دهی نگرش‌های اجتماعی و دینی جامعه کمک کنند و نقش مسجد را در فرایندهای اجتماعی و فرهنگی تقویت نمایند. برای این منظور، پیشنهاد می‌شود که در تولیدات تلویزیونی، مساجد با عنوان نهادهایی با ابعاد مختلف اجتماعی، فرهنگی و دینی به نمایش درآیند؛ به ویژه در نسل جوان، توجه بیشتری به نقش مسجد در جایگاه مکانی برای رشد دینی و اجتماعی صورت گیرد. همچنین رسانه‌ها می‌توانند با معرفی مساجد با عنوان فضاهایی برای مشاوره‌های اجتماعی و خانوادگی، به تقویت ارتباطات اجتماعی و کمک به حل بحران‌های فردی و اجتماعی بپردازند. افزون بر این، استفاده از رسانه‌های دیجیتال و شبکه‌های اجتماعی برای ارتقای نقش مسجد در جامعه نیز می‌تواند مؤثر باشد.

کتابنامه

- آذری، جواد. (۱۳۹۷ ه.ش). «نقش تلویزیون در تغییر نگرش‌های دینی: بررسی اثرات برنامه‌های دینی بر نوجوانان و جوانان». فصلنامه تحقیقات رسانه‌ای. دوره ۵. ش ۲. ص ۲۳-۴۰.
- استریناتی، دومینک. (۱۳۸۰ ه.ش). نظریات فرهنگ عامه. ترجمه: ثریا پاک‌نظر. تهران: نو.
- امینی هرندی، رضا. (۱۴۰۳ ه.ش). «نظریه سیاستی مشارکت فرهنگی - اجتماعی نوجوانان با محوریت مسجد». فصلنامه مطالعات فرهنگ - ارتباطات. دوره ۲۵. ش ۶۷. ص ۳۹-۶۸.

بارکر، کریس. (۱۳۸۷ ه.ش). مطالعات فرهنگی (نظریه و عملکرد). ترجمه: مهدی فرجی و نفیسه حمیدی. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

برخورداری زاده، پژمان؛ سیدحسین سراج؛ و عبدالمحمد کاظمی پور. (۱۳۹۹ ه.ش). «بازنمایی ابعاد دینداری طبقات اجتماعی در سینمای پس از انقلاب ایران». مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران. دوره ۹. ش ۴.

بنت، اندی. (۱۳۹۳ ه.ش). فرهنگ و زندگی روزمره. تهران: نشر اختران.
بودریار، ژان. (۱۳۸۰ ه.ش). «فرهنگ رسانه‌های گروهی». ترجمه: شیده احمدزاده. فصلنامه ارغنون ۱۹. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

حسینی پاکدهی، علیرضا؛ سیدرضا نقیب سادات؛ و محسن گودرزی. (۱۳۹۶ ه.ش). «بازنمایی دین در سینمای پس از انقلاب؛ رابطه با زمینه‌های اجتماعی و دین رسانه‌ای شده». جامعه‌شناسی هنر و ادبیات. دوره ۹. ش ۱.

خالقیان، سمیه؛ سودابه ادیب‌زاده؛ و مهدی سعدوندی. (۱۴۰۰ ه.ش). «عوامل فرهنگی - اجتماعی تأثیرگذار بر مانایی مسجد جامع عتیق اصفهان». نشریه علمی باغ نظر. دوره ۱۸، ش ۹۴.
خجیر، یوسف. (۱۴۰۳ ه.ش). «راهبردهای استفاده بهینه از شبکه‌های اجتماعی مجازی در نظام تبلیغی - رسانه‌ای مساجد کشور». فصلنامه مطالعات فرهنگ - ارتباطات. دوره ۲۵، ش ۶۸، ص ۳۷-۷۰.
راودراد، اعظم. (۱۳۹۱ ه.ش). جامعه‌شناسی سینما و سینمای ایران. تهران: دانشگاه تهران.

رضایی، محمد؛ و عباس کاظمی؛ (۱۳۸۷ ه.ش). «بازنمایی اقلیت‌های قومی در سریال‌های تلویزیونی». تحقیقات فرهنگی ایران. دوره ۱، ش ۴. پیاپی ۴. ص ۹۱-۱۱۸.
رضایی‌راد، محمد. (۱۳۸۱ ه.ش). نشانه‌شناسی، سانسور و سکوت سخن. تهران: طرح نو.
ساروخانی، باقر؛ و مریم رفعت‌جاه. (۱۳۸۳ ه.ش). «زنان و بازتعریف هویت اجتماعی». جامعه‌شناسی ایران. دوره ۵، ش ۲. ص ۱۳۳-۱۶۰.

سلبی، کیت؛ و ران کاودری. (۱۳۸۰ ه.ش). راهنمای بررسی تلویزیونی. ترجمه: علی عامری مهابادی.
چ ۱. تهران: سروش.

سلطانی، علی اصغر. (۱۳۸۴ ه.ش). قدرت، گفتمان و زبان (سازوکارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی ایران). تهران: نشر نی.

سلطانی فرد، هادی؛ و زهره سادات سیدمرادی. (۱۳۹۵ ه.ش). «دگرگونی جایگاه مسجد جامع در پیکره‌بندی فضایی شهر اسلامی؛ مورد مطالعه: مسجد جامع شهر سبزوار». فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی. س ۴. ش ۱۱.

شریف فرد، علیرضا؛ و میثم لطیفی. (۱۴۰۳ ه.ش). «الگوی موفقیت نهادهای دینی (مورد مطالعه: مساجد موفق در عرصه تربیتی)». فصلنامه مطالعات فرهنگ - ارتباطات. دوره ۲۵. ش ۶۷. ص ۱۴۱-۱۸۵. ضمیران، محمد. (۱۳۸۲ ه.ش). درآمدی بر نشانه‌شناسی هنر. تهران: نشر قصه.

طالبی، ابوتراب؛ و احسان قرنی. (۱۳۹۹ ه.ش). «بازنمایی دینداری در سریال‌های تلویزیونی (مطالعه موردی: سریال مادرانه)». پژوهش‌های ارتباطی. دوره ۸. ش ۱. ص ۱۰۵-۱۲۴.

فرخی، میثم؛ و فاطمه خلجی. (۱۴۰۰ ه.ش). «کارکردشناسی فرهنگی - ارتباطی مساجد دانشگاهی؛ مورد مطالعه مساجد دانشگاه‌های تهران، تربیت مدرس و شریف». پژوهش‌های ارتباطی. دوره ۸. ش ۲. ص ۲۵۴-۲۷۳.

فصیح رامندی، منصوره. (۱۴۰۳ ه.ش). «وظایف حکومت دینی در قبال مسجد به مثابه حق فرهنگی». فصلنامه علمی مطالعات راهبردی فرهنگ. دوره ۴. ش ۴. ص ۲۳۹-۲۷۳. فیسک، جان. (۱۳۸۱ ه.ش). «فرهنگ و ایدئولوژی». ترجمه: مژگان برومند. فصلنامه ارغنون ۲۰. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

قائمی نیک، محمدرضا؛ و محمد سلطانیه. (۱۴۰۳ ه.ش). «سکولارشدن جایگاه مسجد در زیست شهری دوره معاصر؛ مطالعه موردی بافت پیرامون حرم رضوی (ع)». فصلنامه مطالعات فرهنگ - ارتباطات. دوره ۲۵. ش ۶۸. ص ۱۴۱-۱۷۶.

قدیر، محسن. (۱۳۸۵ ه.ش). اشتغال زنان از منظر اسلام و غرب (مجموعه مقالات هم‌اندیشی بررسی مسائل و مشکلات زنان، اولویت‌ها و رویکردها). قم: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.

- قنبری نیک، محسن. (۱۴۰۰ ه.ش). «تحلیلی بر علل تغییر جایگاه و کاهش کارکردهای اجتماعی مسجد در جامعه کنونی». فصلنامه اسلام و مطالعات اجتماعی. س ۸. ش ۴. ص ۲۷ - ۵۴.
- کیسبی‌یر، آلن. (۱۳۸۶ ه.ش). درک فیلم. ترجمه: بهمن طاهری. تهران: چشمه.
- کریمی، نازنین؛ و ابوالقاسم دادور. (۱۳۹۹ ه.ش). «تحلیل عناصر معماری مسجد امام اصفهان بر پایه نظریه نشانه‌شناسی امبرتو اکو». نشریه مطالعات هنر اسلامی. دوره ۱۷. ش ۳۹.
- گیرو، پی‌یر. (۱۳۸۲ ه.ش). رمزگذاری و رمزگشایی در مطالعات فرهنگی. ویراسته سایمون دورینگ. ترجمه: شهریار وقفی‌پور و دیگران. تهران: نشر نی.
- لطیفی، میثم؛ و صادق مولایی. (۱۴۰۰ ه.ش). «چرایی و چگونگی ورود مساجد به آسیب‌های اجتماعی (مطالعه موردی: آسیب اعتیاد)». پژوهش‌های اجتماعی و مطالعات آسیب‌شناسی اجتماعی. ش ۸.
- محسن‌زاده، محمدجواد. (۱۳۹۶ ه.ش). «مساجد و ضرورت اهتمام به پایگاه‌های وسایل ارتباط جمعی نوین». فقه و حقوق معاصر. ش ۴. ص ۹۳ - ۱۰۵.
- محمدی، مجید. (۱۳۸۲ ه.ش). دین و ارتباطات. تهران: کویر.
- محمودی، جواد. (۱۴۰۳ ه.ش). «ارزیابی چالش‌های حقوقی اداره مساجد در ایران». فصلنامه علمی مطالعات راهبردی فرهنگ. دوره ۴. ش ۴. ص ۱۶۷ - ۱۹۷.
- مهدی‌زاده، سیدمحمد مهدی. (۱۳۸۷ ه.ش). رسانه‌ها و بازنمایی. تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.
- _____. (۱۳۹۳ ه.ش). نظریه‌های رسانه: اندیشه‌های رایج و دیدگاه‌های انتقادی. تهران: همشهری.
- مهربانی‌فر، حسین. (۱۴۰۳ ه.ش). «مسجد و ارتباطات انسانی؛ مطالعه ظرفیت‌های ارتباطی مسجد در اندیشه اجتماعی متفکران مسلمان معاصر». فصلنامه مطالعات فرهنگ - ارتباطات. دوره ۲۵. ش ۶۸. ص ۹ - ۳۵.
- میرزایی، حسین؛ و امین پروین. (۱۳۸۹ ه.ش). «مطالعات فرهنگی و صورت‌بندی دوگانه نظری - روش‌شناختی در بازنمایی دیگری». نشریه برگ فرهنگ. دوره جدید. ش ۲۲. ص ۸ - ۲۳.

هال، استوارت. (۱۳۸۲ ه.ش). «رمزگذاری و رمزگشایی»، در: مطالعات فرهنگی. ترجمه: شهریار وقفی‌پور. تهران: علمی و فرهنگی.

_____. (۱۳۹۶ ه.ش). معنا، فرهنگ و زندگی اجتماعی. ترجمه: احمد گل محمدی. تهران: نشر نی.

Casey, B., Casey, N., Calvert, French, L., Lewis, J. (2002). Television studies; The Key Concepts. London: Routledge.

Dyer, Richard. (2005) White in Film Theory: Critical Concept in Media and Cultural Studies, Volume 3. Routledge.

Gerbner, G., Gross, I., Morgan, M., Signorielli, N. (1994). "Growing up with Television: The Cultivation Perspective" In: j, Bryant & Dzillman (F.D.S), Media Effects in Theory and Research, New Jersey: Erlbaum. pp: 17-41

Giddens, A. (2009). Sociology. Polity Press. 6th Edition

Hassan, M. A., Ahmad, S. (2023). The role of mosques as centers for education and social engagement in Islamic communities. *Bina Ummati Journal of Social Science*, 6(2), 1-15.

McQuail, D. (2010). *McQuail's Mass Communication Theory* (6th ed.). SAGE Publications.

Sözeri, S., Kosar-Altinyelken, H., Volman, M. (2019). Mapping discourses on mosque education in the Netherlands: A content analysis of the Dutch press, 2010–2016. *Discourse: Studies in the Cultural Politics of Education*, 40(3), 351-368. <https://doi.org/10.1080/01596306.2017.1316705>

Sujak, I., Mazlan, I., Azman, N., & Alias, N. U. A. U. (2021). Traditional mosque architecture: Portrayal of society sociology. *Environment-Behaviour Proceedings Journal*, 6(17), 1-7. <https://doi.org/10.21834/ebpj.v6i17.2804>

Thwaites, T., Davis, L., Mules., W. (2002). Introducing Cultural and Media Studies: a semiotic approach, Palgrave.